

اڪلومي
اسلامي
ايراني

بررسی تطبیقی آموزه‌های اسلامی و ریشه‌های مذهبی کارآفرینی^۱

محمد امینی^۲، نادر نادری^۳، بیژن رضایی^۴

چکیده

این مقاله درصدد است بعد از شناخت ریشه‌های اخلاقی-مذهبی مؤثر در کارآفرینی نخستین سرمایه‌داری، اولاً نظر اسلام را در خصوص این ریشه‌های اخلاقی-مذهبی ارائه دهد و ثانیاً آموزه‌های اساسی‌ای را بیان کند که اهتمام به آن‌ها در فعالیت‌های کارآفرینانه از آسیب‌های نظام اقتصادی غربی ممانعت می‌کند. این پژوهش با روش اسنادی و معنی‌شناسی به انجام رسید. نتایج حاکی است برخی مؤلفه‌های اخلاقی-مذهبی در کارآفرینی نخستین سرمایه‌داری، مورد پذیرش اسلام نیست. به‌علاوه، "گسترده‌خواهی اقتصادی آزاد از هر قید" که ویژگی اخلاقی حاکم بر اقتصاد کنونی غرب است نه تنها با آموزه‌های اسلام که حتی با کتاب مقدس مسیحیت نیز مغایر است. اسلام اولاً توفیق‌طلبی را که از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینان است نه از طریق تقدیس ثروت‌اندوزی یا ایجاد اشتیاق به سود محض و گسترده‌خواهی اقتصادی، که با دعوت به عمران و آبادانی زمین، تحصیل نصیب دنیایی و نهایتاً رحمت الهی برمی‌انگیزد، ثانیاً در جهت ارتقای زندگی شخصی و عمومی و درعین‌حال ممانعت از آسیب‌های سرمایه‌داری، کارآفرینان را به پیشینه‌سازی تلاش برای افزایش درآمد و به‌گردش درآوردن ثروت از طریق مکانیسم زکات، انفاق و ایجاد شغل توصیه می‌کند.

کلیدواژه: کارآفرینی اسلامی، پیشرفت اقتصادی، توفیق‌طلبی، قرآن، انجیل، مسیحیت.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری است.

۲. دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی؛ کرمانشاه ایران

Amini.sajad@ymail.com

۳. استادیار گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) کرمانشاه ایران

naderi_ksh@yahoo.com

۴. استادیار گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی؛ کرمانشاه ایران؛ rezaee61@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

امروزه کارآفرینی به عنوان یک امر ضروری در اقتصاد هر کشور، فعالیتی است که شامل کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت می‌شود به این منظور که کالاها و خدمات جدید، راه‌های سازماندهی، بازارها، فرایندها، و مواد خامی عرضه شوند که قبلاً وجود نداشته‌اند (شین،^۱ ۲۰۰۷: ۴-۶). برای کارآفرینی نمی‌توان نقطه آغازی متصور شد هرچند طرح کارآفرینی به عنوان یک قلمرو مطالعاتی در عرصه دانشگاهی را به شومپیتر^۲ نسبت می‌دهند که برای اولین بار در نیمه اول قرن بیستم کارآفرینی را به عنوان موتور اصلی توسعه اقتصادی از طریق «تخریب خلاق» مطرح کرد. به هر حال، کارآفرینی هم‌راستا با پیشرفت اقتصادی و سیاسی-اجتماعی فنیقیه در سده یازدهم قبل از میلاد توسعه یافت. از اوایل قرون وسطی انواع جدیدی از کارآفرینی شکل گرفت به طوری که از معماری و مهندسی به عنوان کارآفرینی تعبیر شد و بعدها نیز به استفاده از دانش برای کشف فرصت‌ها توسط غرب تغییر ماهیت داد که نتیجه آن ارائه راه حل برای مشکلات، محصولات و خدمات بود. البته در قرون وسطی کارآفرین به معنای سازماندهی‌کننده و نماینده دولت بود و کسانی که از یک فرقه مذهبی یا صنعتگر بودند بیشتر می‌توانستند وارد عرصه کارآفرینی شوند. در اواخر این دوره، کارآفرین به معامله‌گران و نوآوران اطلاق می‌شد تا اینکه در سده هفدهم کارآفرین به فردی اطلاق می‌شد که خطر را می‌پذیرد و از منافع و پیامدهای فعالیت‌های اقتصادی خود بهره‌مند می‌شود (مقیم و همکاران، ۱۳۹۲: ۵-۱۱). پس از آن، ریچارد کانتیلون^۳ برای اولین بار در قرن هجدهم اصطلاح «انترپرنیور»^۴ به معنی کارآفرین را وضع و آن را کسی تعریف کرد که راه‌های استفاده از منابع را می‌بیند و ریسک را در سطوح مختلف تحمل می‌کند و کسب و کارهای مخاطره‌پذیر را بر اساس عدم اطمینان نسبت به موفقیت و قابلیت سودآوری بر عهده می‌گیرد و به طور کلی، معنای مورد نظر او خوداشتغالی^۵ بود. در عین حال هبرت و لینک^۶ در کتاب «تاریخچه

¹ Shane

² Schumpeter

³ Richard Cantillon

⁴ entrepreneur

⁵ Self-employed

⁶ Hébert & Link

کارآفرینی» بیان می‌کنند؛ این واژه ریشه فرانسوی دارد که در قرن هجدهم استفاده رایج اما غیردقیقی داشته است. ایشان تعریف موجود در فرهنگ لغت سواری^۱ را بازگو می‌کنند: «کارآفرین کسی است که یک پروژه را به عهده می‌گیرد؛ یک تولیدکننده یا صاحب کارخانه؛ یک سازنده یا معماری که ارباب و مالک هم هست» (هبرت و لینک، ۲۰۰۹).

به دنبال این، در سده هجدهم و نوزدهم، کارآفرین به معنای مخترع (محصول، مهارت یا روش جدید) به کار می‌رفت و در سده بیستم نیز، در حالی که اقتصاددانان بر فرمول‌های ریاضی برای تبیین کارآفرینی اصرار داشتند، ماکس وبر^۲ (در یک نظام ارزشی) و مک‌کلند^۳ رویکرد روانشناختی را برای تبیین کارآفرینی اتخاذ کردند. در نتیجه‌ی این تلاش‌ها بود که برای نخستین بار ارتباط بین باورهای مذهبی و کارآفرینی و متعاقباً رشد اقتصادی سرمایه‌دارانه مورد تایید قرار گرفت و پس از آن، مطالعات متعدد دیگری نیز بیانگر این ارتباط بودند (احمدپورداریانی و مقیمی، ۱۳۹۲: ۶۷ و ۶۸). به هر حال آنچه صرف‌نظر از تطورات تاریخی در مفهوم کارآفرینی، مورد اتفاق عمومی است این است که کارآفرینی جزء جدایی‌ناپذیر رشد اقتصادی بوده است (مقیمی و همکاران ۱۳۹۲: ۵-۱۱) تا جایی که صاحب‌نظر برجسته کارآفرینی، شین، خاطر نشان می‌کند: کارآفرینی، پایه و سنگ تاریخ^۴ سرمایه‌داری غرب است به‌گونه‌ای که پیشرفت اقتصادی و پیدایش سرمایه‌داری به فعالیت‌های کارآفرینی نسبت داده می‌شود (شین، ۲۰۰۷: ۱ و ایسیس^۵، ۲۰۰۳: ۱۱۷). مسئله آنجاست که شواهد حاکی از آن هستند که این فعالیت‌های کارآفرینانه متأثر از ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های مسیحیت غرب بود اگرچه نه به‌صورت علت تام (کرسول و رولاند^۶، ۲۰۰۴: ۲۸۱) (هلاینر، ۱۳۸۱: ۲۷۶-۲۷۸). براین اساس، کارآفرینی را می‌توان همچون یک متغیر میانجی در نظر گرفت که ضمن تأثیرپذیری از عقاید مذهبی به پیدایش سرمایه‌داری منتهی شد. همچنان که ماکس وبر، ایجاد و رشد نظام سرمایه‌داری را متأثر از یک سری باورهای دینی معرفی کرد (وبر، ۱۳۸۴: ۹-۱۰) و

^۱ Savary's Dictionnaire Universel de Commerce (1723)

^۲ Max Weber

^۳ David C. McClelland

^۴ Cornerstone

^۵ Acs

^۶ Carswell & Rolland

بعدها نیز مک‌کلند، روانشناس برجسته آمریکایی رابطه بین مذهب و پیشرفت اقتصادی غرب را با رویکرد روان‌شناسانه تبیین نمود (مک‌کلند، ۱۹۶۱: ۵۳). البته رابطه اثرگذار مذهب، پیشرفت و تمدن‌سازی منحصر به مسیحیت نیست. مسیر تاریخی اسلام نیز حداقل در یک دوره چندصد ساله مصداقی درخشان از همین رابطه است (گلشنی، ۱۳۹۰: ۹۷). در عین حال، اسلام اگرچه مثل اکثر تمدن‌های دیگر بر برتری خود اطمینان داشت، اما دیدگاه اسلامی که معتقد است مأموریت حضرت محمد (صل‌الله‌علیه‌وآله) آخرین مرحله از یک سلسله مأموریت‌های وحیانی بوده، باعث گردید که مسلمانان به یهودیت و مسیحیت به مثابه نسخه‌ای پیشین و ناقص از آن چیزی بنگرند که خود، نسخه کامل و نهایی آن را دارا هستند. لذا در آموزه‌های اسلامی پذیرفته شده است که مسلمانان می‌توانند از الگوهای موفق پیروان دیگر ادیان چیزهای بسیاری بیاموزند اما همین آموزه‌ها، معیار ارزش‌گذاری و به کارگیری این آموخته‌ها است (برنارد^۱، ۱۳۸۷: ۲۲۰ _ ۲۲۱). امروزه نیز با عنایت به اینکه «اقتصاد مقاومتی» جنبه‌ای مهم از «تمدن اسلامی» است و کارآفرینی نیز یک مؤلفه بسیار مهم و با اولویت در نهضت اقتصاد مقاومتی شمرده می‌شود لذا باید در ضمن توسعه و ترویج کارآفرینی، به مبانی معرفتی و اعتقادی خود نیز توجه داشته باشیم تا باورهای بیگانه در خصوص پول، ثروت، تولید، بازار، سود و... مسیر رشد اقتصادی و کارآفرینی ارزش‌مدار را در نهایت به آسیب‌ها چون سودجویی برای سود نه برای بهره‌وری بیشتر از زندگی (داب، ۱۳۷۹: ۱۷)، کاستن اعتبار ارزش‌های مذهبی و افزودن بر اهمیت اقتصاد (بشler، ۱۳۷۰: ۷۹-۱۵۷) گسترده خواهی آزاد از هر قید (الن میک، ۱۳۸۶: ۳۱۱) مبتلا نکنند در حالی که همه این موارد در رشد اقتصادی تمدن غرب وجود داشته است.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

با عنایت به وجود رابطه بین مذهب، کارآفرینی و رشد اقتصادی و اینکه به‌طورکلی باورهای مذهبی و سنت به‌طور جالب‌توجهی رفتار اقتصادی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند (آودرچ

¹ Lewis, Bernard

و میبیر^۱، ۲۰۰۹) هدف مقاله حاضر این است که اولاً عوامل اخلاقی-مذهبی اثرگذار در فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای را مورد بررسی قرار دهد که در پیدایش یا تقویت رشد اقتصادی و سرمایه‌داری نقش ایفا کردند؛ ثانیاً این عوامل با مبانی اسلامی ارزیابی شوند تا زمینه‌ای برای نیل به کارآفرینی اسلامی ایجاد شود. به عبارت دیگر، هدف پژوهش حاضر این است که از منظر اخلاق و مذهب، رابطه بین کارآفرینی و پیشرفت اقتصادی غرب را بررسی و سپس بر اساس منابع اسلامی مورد ارزیابی قرار دهد.

براین اساس و متناظر با اهداف پیش گفته، سوال پژوهشی این است که اولاً آیا فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که منجر به رشد اقتصادی (در قالب سرمایه‌داری) شد ریشه‌ای در عقاید مذهبی داشته است؟ ثانیاً اگر چنین بوده آیا این ریشه‌های اعتقادی و مذهبی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی هست یا خیر؟

۳. پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌های بسیاری به موضوع کارآفرینی و سرمایه‌داری پرداخته‌اند با وجود این، با جست‌وجو در پایان‌نامه‌های موجود در پایگاه اطلاعات علمی ایران و نیز کتاب‌ها و مقالات متعدد، موردی یافت نشد که از منظر اخلاقی و مذهبی، رابطه بین کارآفرینی و سرمایه‌داری را نگرسته و بر پایه منابع اسلامی مورد تحلیل، تطبیق و ارزیابی قرار داده باشد. در این بین می‌توان به کتاب «سرمایه‌داری خوب سرمایه‌داری بد و اقتصاد رشد و کارآفرینی» اشاره کرده که اگرچه به موضوع نزدیک است و به طور کلی اهمیت نقش فرهنگ را در رشد اقتصادی و توسعه کارآفرینی می‌پذیرد اما به طور خاص نگاه مذهبی به قضیه ندارد (بامول و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳). به علاوه در بین مقالات نیز مواردی یافت شد که به موضوع نزدیک هستند و در جدول ۱ به موارد مهم و مرتبط‌تر اشاره شده‌اند، اما هیچ یک این‌ها نیز سوال پژوهشی پیش گفته را با رویکرد تطبیقی بین اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار نداده‌اند.

¹ Audretsch & Meyer

جدول ۱: پژوهش‌های پیشین

نویسنده-سال	عنوان پژوهش	بخشی از نتایج برجسته
(نجم‌زاده و همکاران ۱۳۸۷)	شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی بر مبنای اخلاق اسلامی و اخلاق سرمایه‌داری	ذهنیت سودطلبانه و مادی افراد موجب خواهد شد اقتصاد سرمایه‌داری شکل گیرد.
(امیری و امیری، ۱۳۹۳)	مبانی و مؤلفه‌های کار و کارآفرینی در قرآن و روایات	ریسک‌پذیری منطقی، توفیق‌طلبی، عمل صالح از ویژگی‌های کارآفرین است.
(ملکی و همکاران، ۱۳۸۸)	آثار باورهای مذهبی بر گرایش به راه‌اندازی کسب‌وکار	باورهای مذهبی به‌طور غیرمستقیم بر راه‌اندازی کسب‌وکار تأثیر گذارند.
(سبحانی و همکاران، ۱۳۹۱)	کارآفرینی از منظر ادیان توحیدی با تأکید بر نظام اقتصادی اسلام	ادیان آسمانی به‌ویژه اسلام مشوق کار و کارآفرینی.
(حجازی، ۱۳۹۱)	رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم شاکله دینی	برای کارآفرینی باید در لایه‌های عمیق تحول دائمی ایجاد کرد.
(طیبی و همکاران، ۱۳۹۱)	تحلیل نظری مقایسه‌ای کسب‌وکار کارآفرینانه و غیرکارآفرینانه در اقتصاد اسلامی	اقتصاد اسلامی کارآفرینی را تشویق می‌کند.
(خنیفر، بی‌تا)	کارآفرینی در ادیان و مکاتب (مطالعه موردی: نظام ارزشی اسلام)	کار در اسلام جزو سلوک معنوی و در ردیف نماز و جهاد است.

۴. چارچوب نظری

در خصوص تأثیر عوامل اخلاقی-مذهبی بر رشد اقتصادی غرب، نظرات متعددی وجود دارند و می‌توان آن‌ها را در یک پیوستار قرار دارد به‌طوری‌که در یک‌سو، پیدایش سرمایه‌داری به عوامل اخلاقی-مذهبی نسبت داده می‌شود مانند نظرات وبر و در سوی دیگر، این باور وجود دارد که عامل پیدایش نظام سرمایه کاملاً غیرمذهبی است مانند نظرات بشلر و دوسوتو. مثلاً دوسوتو نیروی حیات‌بخش نظام سرمایه‌داری را نه ویژگی‌های فرهنگی جامعه غرب که به‌کارگیری سرمایه با یک معنا و کیفیت خاص می‌داند (دوسوتو، ۱۳۸۶: ۲۸ و ۲۸۷). بشلر نیز بر این باور است که نظام سیاسی حاکم بر غرب تمایل داشته به ارزش‌های اقتصادی بیشترین اهمیت را بدهد و لذا رشد اقتصادی اروپا و آمریکا بیشتر تحت تأثیر نداشتن ارزش‌های مذهبی شکل‌گرفته تا اخلاق پروتستانی (بشلر، ۱۳۷۰: ۱۰۳ و ۱۵۶). به‌رحال، گذشته از گوناگونی

دیدگاه‌های این اندیشمندان که می‌تواند بروز تبیین‌های مختلف در خصوص سرمایه‌داری را توجیه کند، حتی در تبیین‌های این سوی پیوستار مانند آنچه بشلر ارائه می‌دهد نیز می‌توان نقش مذهب - یا ضد مذهب - در پیدایش سرمایه‌داری را دریافت اما پیش از توضیح این مطلب می‌توان یادآور شد که نظرات اندیشمندانی مانند بشلر و وبر، به خودی خود، موضوعیت ندارند بلکه چون نماینده دو سوی یک پیوستار نظری در خصوص علل رشد اقتصادی غرب واقع شده‌اند قابل طرح و بررسی هستند.

توضیح اینکه، از دید بشلر سرمایه‌داری یک شکل از اقتصاد است که به هنگام حذف موانع توسط نظام سیاسی حاکم پدید می‌آید یعنی اگر دولت، کلیه موانعی را که بر سر راه «میل سودجویی» و «قانون حداکثرکردن بازده اقتصادی» وجود دارد از میان بردارد، سرمایه‌داری طبعاً پدید خواهد آمد (بشلر، ۱۳۷۰: ۸۸ و ۶۷). چون در هر جامعه افرادی هستند که میل به خطر کردن و تصاحب (دو روحیه موجود در سرمایه‌داری)، در آنان به حد افراط وجود دارد لذا هرگاه شرایط برایشان مساعد باشد این قابلیت‌های خود را بروز می‌دهند (همان: ۸۶) و احتیاجات را از هر قید و بندی آزاد می‌کنند و همین، جامعه را خودبه‌خود به سوی سرمایه‌داری می‌کشاند. البته در این مسیر رشد اقتصادی، دولت نباید به نفع یا ضرر هیچ تولیدکننده یا مصرف‌کننده‌ای دخالت کند و حتی باید بر اختلال‌های زائیده از این رشد چشم پوشد زیرا بالا بردن بازده، ناراحتی‌های موقت ایجاد می‌کند اما هر کاری که در جهت حذف این ناراحتی‌ها انجام شود بازده و رونق اقتصادی را کاهش خواهد داد. از این روی بود که سرمایه‌داری غربی خصوصاً از قرن هجدهم به بعد، با کاستن اعتبار ارزش‌های مذهبی و افزودن بر اهمیت فعالیت‌های اقتصادی، نظام ارزش‌ها را تغییر داد تا احتیاج‌ها [بازارهای مصرف] از هر قیدی آزاد شوند. در پی این تغییرات، رونق اقتصادی خارق‌العاده غرب پدید آمد (همان: ۷۹-۱۵۷).

بدیهی است که اصل اساسی در این منطق گسترده‌خواه و رقابتی همانا تبعیت تمامی ارزش‌های انسانی از "ضرورت انباشت دارایی و نیاز به سودآوری" است (الن میک، ۱۳۸۶: ۳۱۱).

به کوتاه‌سخن، اگر شرایط لازم (سودجویی حداکثری، کار فزاینده همراه با حداقل استراحت و تفریح، استقبال جامعه از محصولات، تقلیل هزینه‌های تولید) با هیچ مانعی روبه‌رو

نگردد اعم از مانع فرهنگی (مثل عادت به کم‌مصرف بودن)، اخلاقی (مثلاً به دنبال سود رفتن زشت شمرده شود و استراحت بعضی اوقات مهم‌ترین کار به شمار آید^۱)، سیاسی (مداخله دولت در بازار آزاد)، و ... در این صورت جامعه به حداکثر بازده که ویژگی اساسی نظام سرمایه‌داری است نائل خواهد شد. بر اساس این تبیین، بدیهی است که عدم وجود بازده اقتصادی بیشینه در یک جامعه، معلول موانع پیش‌گفته است که آن جامعه بر سر راه افزایش بازده اقتصادی ایجاد کرده است اما جامعه غرب موفق شد بیشترین تعداد از این موانع را حذف کند و بیشترین بازده را به دست آورد (بشler، ۱۳۷۰: ۸۸-۸۹).

اما در خصوص سوی دیگر پیوستار که در آن، رشد اقتصادی غرب متأثر از باورهای مذهبی دانسته می‌شود باید گفت در این صورت نیز بدیهی است که ارزیابی ریشه‌های مذهبی این پدیده بر اساس آموزه‌های وحیانی اسلام، رهنمودهایی آسیب‌شناسانه را برای فعالیت‌های کارآفرینانه امروز ما ارائه خواهد داد. بنابراین، چنانچه نظرات آن سوی پیوستار که بشler و دوستو نماینده آن هستند صحیح باشد، رشدی که ناشی از خروج جامعه از چهارچوب مذهب وحیانی باشد اساساً از نگاه اسلام مردود است و اما چنانچه نظرات این سوی پیوستار (تأثیر مذهب بر رشد اقتصادی و کارآفرینی) که وبر و مک‌کلند نماینده آن هستند صحیح باشد، در این صورت بررسی ریشه‌های مذهبی اثرگذار در رشد اقتصاد و فعالیت‌های کارآفرینانه غرب ضرورت خواهد داشت و این بررسی ریشه‌های مذهبی همان چیزی است که پژوهش حاضر در صدد با دیدگاه اسلامی انجام دهد.

۵. روش تحقیق

در این پژوهش نخست از طریق روش اسنادی، کارآفرینی نخستین سرمایه‌داری از جنبه اعتقادی و مذهبی توصیف شد و در آن، چهار وجه اساسی «کار و تکلیف»، «مصرف و لذت»، «مال‌اندوزی و ثروت» و «هدف و غایت» برای بررسی مقایسه‌ای شناسایی و تعیین شدند. سپس به‌منظور ارزیابی این وجوه اساسی، آیات قرآن و برخی منابع روایی اسلام بر

^۱ چنین تفکراتی حتی بین مسلمین وجود دارد اگرچه محل بحث آن‌ها اینجا نیست.

اساس کلیدواژه‌های «ثروت، معاش، معیشت، مال و اموال، سعی، جهد و جد، عمل، طلب، کسب و مکاسب، کار، غنی و غنیه، شغل و حرفه، سُوق، دنیا، اقتصاد، کنز و ذهب، ربیح، تمکن، دولت، و تجارت» مطالعه شدند و تصریحات و دلالت‌های مناسب در یک بافت منسجم و استدلال‌گونه مدون و مستندات قرآنی و روایی دقیقاً ذکر شدند. در بین منابع روایی، محوریت بر سخنان علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) در دو کتاب نهج‌البلاغه و غررالحکم و دُرر الکلم بود. همچنین با روش اسنادی، ویژگی اخلاقی‌ای که اکنون بر نظام اقتصادی غرب حاکم است، شناسایی و سپس همسویی آن با کتاب مقدس مسیحیت، با استفاده از روش معنی‌شناسی بررسی شد. معنی‌شناسی، مطالعه علمی معناست. مطالعه علمی در این دانش، توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری است (صفوی، ۱۳۹۷: ۲۷). این روش به‌ویژه برای درک معانی موجود در کتب مقدس کاربرد دارد. بر اساس این روش، اناجیل چهارگانه (متی، مرقس، لوقا، و یوحنا) در چهار نسخه مختلف مورد مطالعه و مقابله قرار گرفتند. در نتیجه این مرحله، بالغ بر ۲۵۰ جمله شناسایی شدند که مشتمل بر کلمات و اصلاحات کلیدی (دنیا، پول، مال، ثروت، خریدوفروش، کار، سرمایه، بازار، سود، زندگی، فقر، شغل) بودند. سپس با توجه به مترادف‌ها و جانشینی‌ها، استعاره‌ها و مثال‌ها، فضاسازی‌ها، زاویه دید، و جنبه‌های دنیوی و اخروی موجود در مثال‌ها، (صفوی، ۱۳۹۷: ۲۶۹-۳۸۱) و (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۲) نظام اندیشه‌ای اناجیل در خصوص ویژگی مذکور مورد بررسی قرار گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

نخستین سوال پژوهشی این بود که آیا فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که منجر به رشد اقتصادی سرمایه‌دارانه شد ریشه‌ای در عقاید مذهبی داشته است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت با عنایت به اینکه انترپرنیورشیپ^۱ - که به کارآفرینی ترجمه می‌شود- خاستگاه و سنگ بنای سرمایه‌داری است (شین، ۲۰۰۷: ۱)، لذا نخست باید به ریشه‌های مفهومی و تاریخی

^۱ Entrepreneurship

انترپرنیورشیپ پرداخت^۱. انترپرنیور فردی بود دارای سرمایه و تدبیر مالی و انترپرنیورشیپ به فعالیت‌های اقتصادی او گفته می‌شد. اما این فعالیت‌ها تحت تأثیر باورهای مذهبی بود چراکه التزام به آموزه‌های اخلاقی و نیز پافشاری کلیسا بر شرافتمندی در سوداگری موجب حلول یک هویت مذهبی و اخلاقی در این فعالیت‌های اقتصادی شد تا آنجا که انترپرنیور کسی تلقی می‌شد که در پرتو اصول درست و روشن خرد، صداقت و خلاقیت هر ابداعی را به کمال مطلوب برساند و طرحش را به اجرا درآورد و به حاصل واقعی ابداعش دل‌خوش کند. این یکی از نخستین تعریف‌های اصیل انترپرنیور بود (هالینر، ۱۳۸۱: ۲۷۷-۲۷۸). این انترپرنیورها یا فعالان نخستین سرمایه‌داری در مغرب زمین، افراد سخت‌کوشی بودند که از طریق پیروی از اخلاق پروتستانی کار را وسیله‌ای برای رستگاری خود قلمداد می‌کردند و با داشتن خصیصه‌های دیگری همچون محاسبه‌گری، جسارت و فراتر از همه، خویشتن‌داری، قابل‌اطمینان بودن، تعهد به کار، و ابتکار توانستند صاحب سرمایه و توسعه کار مولد (کارآفرینی) شوند و پایه سرمایه‌داری را بنیان نهند (ترنر، ۱۳۹۰: ۱۰، وبر، ۱۳۸۴: ۹-۱۰ و وبر، ۱۳۸۷: ۶۹). البته ممکن است در خصوص رابطه بین پروتستان‌نیم و اقدامات متهورانه اقتصادی و کارآفرینی (و متعاقباً پیدایش سرمایه‌داری) قدری اغراق شده باشد اما به‌رحال کارآفرینی توسط یک سری علت‌ها و عوامل تعدیل‌گر هدایت می‌شد که از جمله آن‌ها مذهب بود (کرسول و رولاند، ۲۰۰۴: ۲۸۴) و این بدان معنا نیست که پروتستان‌نیم تنها عامل محرک در پس توسعه اخیر سرمایه‌داری بوده است؛ بلکه، وجود گزاره‌های مُتَقِن در خصوص هم‌افزایی بین برخی آموزه‌های خاص پروتستان و سبک زندگی ضروری برای موفقیت کسب‌وکار مد نظر است (کرسول و رولاند، ۲۰۰۷: ۱۶۳) و این نظریه بعدها توسط مک‌کلند

^۱ مترجمین برای واژه آنترپرنیور معادل‌هایی را برگزیدند که اگرچه نادرست نیستند اما گویای تمام مفهوم هم نیستند. مثلاً مترجمین کتاب «شرایط اخلاقی رشد اقتصادی» واژه کارفرما را برگزیدند و مترجمین کتاب وبر، «اقتصاد و جامعه»، معادل «مالک و صاحب کسب‌وکار» را در نظر گرفتند (وبر، ۱۳۸۴: ۱۹۷). به‌رحال تطور تاریخی مفهوم آنترپرنیور نشان می‌دهد که در هر مرحله زمانی، یکی از ابعاد این مفهوم برجسته‌تر بوده است اما برخی نظریه‌ها بر اهمیت ادراک مفهوم آنترپرنیور در یک چارچوب جامع تأکیدی‌کنند (هبرت و لینک، ۲۰۰۹: ۵).

تکمیل شد. به‌هرحال، اگرچه اخلاق کاری پروتستان دیگر به‌عنوان ویژگی خاص و متمایزکننده‌ی فعالیت‌های متهورانه اقتصادی و کارآفرینی کاپیتالیسم در نظر گرفته نمی‌شود اما اثرات آن اخلاق هنوز احساس می‌شود چون ایدئولوژی اقتصادی سرمایه‌داری اکنون بر بازار جهانی غالب است (همان). بدین گونه کارآفرینی، خود، متأثر از مؤلفه‌های مذهبی و اخلاقی بود. در ادامه، مؤلفه‌های مذهبی مؤثر در کارآفرین نخستین سرمایه‌داری شناسایی، توصیف و بر اساس آموزه‌های اسلامی ارزیابی خواهند شد.

۱-۶. ریشه‌های اخلاقی-مذهبی کارآفرینی نخستین

ریشه تاریخی رشد اقتصادی از طریق کارآفرینی باید به‌گونه‌ای تشریح شود که بتواند حکایتگر ویژگی‌هایی باشد که برای نظام سرمایه‌داری ارائه شد. نگاه به رشد اقتصادی از منظر مذهب و اخلاق می‌تواند این مهم را ایفا کند.

حاصل نهضت پروتستان در اروپای قرن پانزدهم (۱۴۸۸)، رواج عقاید تازه در مورد زندگی و امتیازات دنیایی بود به‌طوری‌که دنیاطلبی و منفعت‌جویی، در سرلوحه امور زندگی قرار گرفت (مهرگان و کرامت‌فر، ۱۳۹۳: ۱۳). پروتستان بر نقش ویژه فردیت^۱ و روابط مستقیم انسان و خدا تأکید می‌کرد. فردگرایی نوعی نگرش ایدئولوژیک است که با ارزش نهادن به استقلال و اتکای نفس افراد، اهداف و خواسته‌های افراد را اصالت می‌بخشید تا فرد بتواند در جهت رسیدن به اهداف خود تلاش کند. به عقیده نورث، گسترش باورها و رفتارهای فردگرایانه ارتباط کاملاً مستقیمی با رشد اقتصادی و تکامل ساختارهایی مانند بازار داشت که بعدها به اجزای لاینفک نظام کاپیتالیسم بدل شد. باور اخلاقی پروتستان‌ها که بر کامیابی، ثروت و موفقیت‌های مادی به‌عنوان نشانه‌ای از فیض الهی^۲ و ورود به بهشت تأکید زیادی داشتند در توسعه سرمایه‌داری نقش بسیار مهمی ایفا کرد (همان: ۷۹ و ۸۰). مؤلفه‌های اصلی این نظام اخلاقی در مفهوم ریاضت‌گرایی پروتستان نهفته هستند. از طریق ریاضت‌گرایی، محدودیت در مصرف با ثروت‌اندوزی تلفیق می‌شد و نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن، انباشت سرمایه

^۱ individualism

^۲ God's grace

بود؛ یعنی، وقتی زهد در مصرف با اعتقاد به کار و تلاش بی‌وقفه که سمبل بارز و دلیل روشن ایمان واقعی بود، تلفیق می‌گردید تکاثر سرمایه و پول همچون یک هدف، حاصل می‌شد (وبر، ۱۳۸۴: ۱۰ و وبر، ۱۳۸۷: ۱۵۴ و ۶۸). همچنین نقش دیگر اخلاق پروتستان این بود که به بازرگانان و سوداگران (بورژواها) احساس مشروع بودن سبک زندگی‌شان و ارزشمند بودن فعالیت‌های اقتصادی‌شان را القا کرد و همین باعث رشد آن‌ها می‌شد. آن‌ها تمام هم‌وغم خود را صرف فعالیت‌های اقتصادی می‌کردند و فقط طالب سود بودند اما در جامعه از هیچ مشروعیتی برخوردار نبودند (بشلر، ۱۳۷۰: ۱۰۲-۱۰۴ و ۱۵۸) و پروتستان مسیحی این مشروعیت را برای آن‌ها به ارمغان آورد. باوجود این‌ها، مؤلفه‌های اساسی ریاضت پروتستان در خصوص چهار مفهوم کار، مصرف، مال‌اندوزی، و غایت زندگی است که در ادامه به ترتیب تشریح می‌شوند.

۶-۱-۱. کار و تکلیف

در ریاضت‌گرایی، کار مداوم و منظم، تکلیف دنیوی انسان از سوی خداوند و راهی برای اثبات ایمان تلقی می‌شد (وبر، ۱۳۸۷: ۱۵۴) یعنی انسان از سوی خداوند دعوت شده تا قدرتش را در زمین از طریق کار و تلاش آشکار کند و برای همین، فرد ریاضت‌پیشه^۱ تمام وقت خود را مصروف تلاش و کوشش می‌نمود (ترنر، ۱۳۹۰: ۱۰). چنین باوری، اهمی برای پدید آمدن روحیه‌ای شد که خاستگاه اولیه سرمایه‌داری بود. در این نظام فکری، فرد کار و حرفه خود را با احساس مسئولیت شرعی دنبال می‌کند یعنی کار فقط وسیله‌ی امرارمعاش نیست؛ بلکه هدفی معنوی^۲ و مایه خشنودی پروردگار و تنها وسیله حصول یقین به کسب فیض الهی است. با تعمیق این باور، یک ضمانت روانی نسبت به نتیجه و ثمره کار در افراد ایجاد می‌شد (وبر، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۱۵۴-۱۶۰) و توفیق طلبی در اقتصاد ارتقا می‌یافت (مک‌کللند، ۱۹۶۱: ۴۷) و زمینه

^۱ پاک‌دینان (پیوریتین‌ها). Protestant puritan.

^۲ احتمالاً از همین جاست که برخی جامعه سرمایه‌داری را متوجه بر وسایل رسیدن به هدف می‌دانند نه خود هدف (زرشناس، ۱۳۸۳: ۴۴).

برای انباشت سرمایه فراهم می‌شد تا جایی که سرباززدن از این وظیفه یعنی افزایش سرمایه، حماقت در نظر گرفته می‌شد (فوگن، ۱۳۸۵: ۱۲۷). بشلر نیز صراحتاً به ضرورت کارِ حداکثری و حداقل کردن استراحت و تفریح به عنوان یکی از عوامل مهم برای حداکثر شدن بازده و سود اقتصادی و متعاقباً پیدایش سرمایه‌داری اشاره می‌کند (بشلر، ۱۳۷۰: ۸۶-۸۷) اگرچه بشلر این را که چه اعتقاداتی منجر به قائل شدن چنین اهمیتی برای حداکثرسازی بازده و سود شد، ناگفته می‌گذارد.

۶-۱-۲. مصرف و لذت

در ریاضت‌گرایی پروتستان، ثروت حاصل از کار نباید صرف لذت‌جویی زودگذر (وبر، ۱۳۸۴: ۱۰) یا کالاهای تجملی شود (وبر، ۱۳۸۷: ۱۵۳). اما چیزی که انگیزش لازم را برای این خویش‌داری ایجاد می‌کرد باور به این وعده مسیحیت بود که در ازای شکیبایی و کناره‌گیری موقت از لذت‌های این جهانی می‌توان انتظار پاداشی بزرگ‌تر را داشت. لذا از طریق چنین قناعتی، میزان مصرف محدود و اسراف نیز منع می‌شد (فوگن، ۱۳۸۵: ۱۲۸ و ۱۲۹). این مصرف کم کالا، خدمات و حتی اسباب و اوقات فراغت (کف نفس)، از لحاظ مذهبی ارزشمند تلقی می‌شد و انگیزه‌های دینی لازم را برای موفقیت در انباشت سرمایه فراهم می‌کرد (هالاینر، ۱۳۸۱: ۲۶۵-۲۸۶). با این اوصاف، ریاضت‌گرایی از دو طریق، انباشت سرمایه را تشویق و تشدید می‌کرد؛ اول کاستن مصرف کالا و خدمات، و دوم کاستن بهره‌مندی از اسباب و اوقات فراغت با کار مداوم.

۶-۱-۳. مال‌اندوزی و ثروت

ریاضت‌گرایی، مال‌اندوزی را به منزله مشیت الهی تلقی کرد با این توجیه که از ثروت می‌توان استفاده‌های عقلانی و سودآور داشت و چون این استفاده‌های عقلانی، موردنیاز فرد و جامعه است پس ثروت‌اندوزی نیز مشیت الهی است (وبر، ۱۳۸۷: ۱۵۳) و همین امر محدودیت در فعالیت‌های سودآور و تولیدی را از میان برد (فوگن، ۱۳۸۵: ۱۲۸ و ۱۲۹). به علاوه، در این نظام اعتقادی:

✓ منظور از مبارزه علیه هوا و هوس و دل‌بستگی به مادیات، مبارزه علیه مال‌اندوزی عقلانی نیست، بلکه منظور مبارزه علیه استفاده غیرعقلانی از ثروت (مثل تجمل‌پرستی) است که به‌منزله شرک محکوم شده است.

✓ تولید ثروت خصوصی تشویق می‌شد اما در این راه دغل‌کاری، دنیاپرستی و آزمندی نیز محکوم بود. البته منظور از آزمندی، "کسب ثروت به خاطر خود ثروت" بود زیرا ثروت به‌خودی‌خود یک وسوسه نفس بوده و اگر هدف ذاتی قرار بگیرد، شر خواهد بود اما اگر ثمره‌ی تکلیفی به نام کار منظم و مداوم باشد نه‌تنها نکوهیده نیست که نشانه برکت الهی و اثبات ایمان تلقی می‌شد (وبر، ۱۳۸۷: ۱۵۳ و ۱۵۴). باوجود این‌ها، اگرچه آزمندی خطری برای روح انسان است، ولی از بطالت و بیکاری سهمگین‌تر نیست. یعنی چون بطالت و بیکاری به تهیدستی می‌انجامد و تهیدستی نیز اخلاق را زایل می‌کند، پس فرد موظف است حرفه پردرآمدی برای خود برگزیند تا اخلاق خود را حفظ کند.

نتیجه چنین اعتقاداتی این بود که تقوا و ثروت جویی نه‌تنها متضاد نیستند که متحدند (وبر، ۱۳۸۷: ۱۸). از این‌رو، ایسس تمرکز تاریخی روی "کارآفرینی یا تولید ثروت" را به‌عنوان یکی از مشخصه‌های سرمایه‌داری معرفی می‌کند (ایسس، ۲۰۰۳: ۱۱۳).

۶-۱-۴. هدف و غایت

ریاضت‌پیشگی رسیدن به رستگاری اخروی را هدف نهایی می‌داند و این هدف باید از طریق انجام تکلیف در قالب کار و امور روزمره زندگی دنبال شود (دنهارت، ۱۳۸۸: ۴۵). در اخلاق پروتستانی، اصل مشیت یا تقدیر^۱ نقش مهمی داشت. طبق این اصل، خداوند افراد خاصی را برای سعادت اخروی انتخاب نموده که نشانه‌ی منتخب بودن، موفقیت در امور دنیوی است. بنابراین، هر مؤمنی جهت حصول اطمینان از منتخب بودن باید تمام تلاش خود را در جهت موفقیت این دنیایی به کارگیرد (وبر، ۱۳۸۴: ۹ و ۱۰) (ترنر، ۱۳۹۰: ۱۰). این باور به تقویت روحیه‌ای در افراد منجر شد که بعدها مک‌کلند آن را "توفیق طلبی" نامید.

^۱ Predestination

در مجموع، «انتظار و به تعویق انداختن ارضای نیازها برای مابه‌ازایی بزرگ‌تر در وقتی دیگر (آخرت)» در کنار کار (به‌عنوان تکلیف و وظیفه) به عامل قوی‌ای برای پس‌انداز و انباشت سرمایه مبدل شد و بدین‌صورت، مسیحیت از عوامل مثبت رشد اقتصادی بود (هالینر، ۱۳۸۱: ۲۶۵). امروزه نیز بسیاری از غربی‌ها ضمن احساس برتری، اعتقاد دارند آنچه پایه موفقیت نظام سرمایه‌داری آن‌ها را تشکیل می‌دهد اخلاق کاری آن‌ها است که به ارث برده‌اند و دغدغه وجودی که توسط آیین‌های مذهبی پروتستانی (کالوینسم^۱) آن‌ها به وجود آمده است (دوسوتو، ۱۳۸۶: ۲۸۶ و ۲۸۷). به‌هرحال، علیت تام برای اخلاق و مذهب منظور نیست بلکه نقش و تأثیرگذاری آن حائز اهمیت است. همچنان که تاوینی بیان می‌کند برخی از وجوه ریاضت متأخر معجونی بود که روحیه سرمایه‌داری را تقویت کرد و تمایلات آن را استحکام بخشید (صادقی، ۱۳۹۱: ۶۲).

همچنین مؤلفه‌های ریاضتی پیش‌گفته و ارتباط آن با رشد اقتصادی، به‌جز مورد چهارم، توسط بشلر نیز تصریح شده اما او معتقد است این مؤلفه‌ها نه نشئت‌گرفته از یک نظام اخلاقی خاص که ناشی از "شوق به کسب بیشترین منفعت و سودجویی" است و باید با ریاضتی همراه گردد که صرفه‌جویی را تا حدی بالا ببرد که تنها ادامه حیات را ممکن می‌سازد. پس‌انداز حاصل از این صرفه‌جویی نیز باید سرمایه‌گذاری شود و هر خرج بی‌فایده و تفریح برای تولیدکننده ممنوع خواهد بود و این به‌طور خلاصه یعنی؛ سودجویی برای خود سود، نپرداختن به هیچ کار دیگر، افزودن منظم بر امکانات کسب منفعت. به باور او وجود چنین خلق‌وخویی بدین دلیل است که هدف‌هایی که بنی‌آدم در زندگی تعقیب می‌کنند انواع محدودی دارد (مذهبی، سیاسی، نظامی، زیبایی‌شناسی و اقتصادی) و لذا همواره و در تمام جوامع افرادی هستند که هر وقت آزاد گذاشته شوند و موقعیت مناسب باشد به منفعت‌جویی و فعالیت‌های سرمایه‌دارانه اقدام می‌کنند (بشلر، ۱۳۷۰: ۱۱۵ و ۱۱۶).

اگرچه بر اساس تبیین بشلر نظام اخلاق پروتستان عامل پیدایش سرمایه‌داری نیست اما فقدان یک نظام اخلاقی-مذهبی هدایتگر، مجوز و زمینه‌ی مساعدی شد برای اهتمام محض به

¹ Calvinist Calvinism (Jean Calvin)

سود و منفعت همچنان که او تصریح می‌کند «اگر در یک جامعه (مانند غرب)، حوزه خاصی به مذهب اختصاص داده نشود احساس مذهبی متوجه دیگر فعالیت‌ها نظیر اقتصاد خواهد شد». وی می‌افزاید غرب خصوصاً از قرن هجدهم به بعد سلسله‌مراتب ارزش‌های حاکم بر جامعه را تغییر داد و اعتبار ارزش‌های مذهبی، سیاسی، و نظامی را کاهش داد تا افراد مستعد و نخبه (آن‌هایی که هدفی جز منفعت مادی نداشتند) میدان پیدا کرده و به‌سوی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد کارخانه‌ها سوق بیابند و همین هم شد و این وضع از راه تأثیر بر تمایلات مردم و گسیل نیروهای اجتماعی، به زایش سرمایه‌داری یاری رساند و باید بپذیریم که این جهش تاریخی بیش از هر چیز متوجه نظام ارزشی جامعه بوده است (بشler، ۱۳۷۰: ۱۲۸-۱۳۵ و ۱۳۸).

پس روشن به نظر می‌رسد که حتی اگر روند رشد اقتصادی غرب از اخلاق پروتستان سرچشمه نگرفته باشد، از یک نظام خاص اعتقادی نشئت یافته که توانسته اولویت‌بندی ارزش‌های جامعه را جابه‌جا کند چراکه تغییر سلسله ارزش‌ها با اتکا به نظام اعتقادات و باورها ممکن است.

البته باید عنایت داشت برخی خصایص در تحولات مختلف تاریخی دچار تبدل شده‌اند همچنان که زرشناس می‌گوید منش سرمایه‌داران از قرن پانزدهم تا اواخر نوزدهم مبتنی بر امساک، خست و صرفه‌جویی بود و با خصلت مراحل بعدی (اسراف و مصرف بی‌رویه) متفاوت است (زرشناس، ۱۳۸۳: ۲۱-۳۰). به همین ترتیب با وجود تأثیر اخلاق مذهبی در پیدایش سرمایه‌داری، همان‌طور که از نظرات بشler و پیش‌بینی وبر^۱ نیز برمی‌آید، به علت غلبه منفعت‌خواهی و سودجویی، رشد اقتصادی و سرمایه‌داری غرب مسیر تاریخی متفاوتی طی کرده است.

همچنان که اشاره شد، مک‌کلند نیز عوامل مذهبی پیش‌گفته را از نگاه روانشناسی مورد مطالعه قرار داد. او با شواهد تجربی نشان داد که اصلاحات مذهبی پروتستان، سطح

^۱ وبر به‌نوعی پیش‌بینی کرده بود که سرمایه‌داری به‌صورت یک عطش برای کسب ثروت پایان خواهد پذیرفت (وبر، ۱۳۸۷: ۱۸).

توفیق‌طلبی^۱ [اقتصادی] را در جامعه ارتقا داد و افرادی با ویژگی توفیق‌طلبی، مشاغلی مانند بازرگانی و کارآفرینی را ترجیح می‌دادند که توأم با مسئولیت زیاد است و همین امر به رشد اقتصادی مسیحیت پروتستان منجر شد. او از مبلغان مذهبی به عنوان یکی از عاملان تغییر یاد و خاطرنشان کرد که مبلغان مذهبی به وسیله برنامه‌های آموزشی و باور محکم به اینکه رفتار بزرگسالان را می‌توان تغییر داد، رفتارها را به شکل موفقیت‌آمیزی تغییر می‌دهند (شولتز، ۱۳۹۲: ۵۶۲-۵۸۹) به علاوه، شواهد نشان داد پروتستان‌ها بر آموزش استقلال و تسلط^۲ به فرزندان تأکید داشتند که این خود به تقویت توفیق‌طلبی در افراد کمک می‌کرد (مک‌کلند، ۱۹۶۱: ۴۷ و ۵۳). در واقع، اصلاحات پروتستانی جهت‌گیری منشی یا شخصیتی جدیدی را ایجاد کرد که بر کوشش پیوسته برای بهبود خویشتن، جستجو، پشتکار و در یک کلمه پیشرفت فردی تأکید داشت. مک‌کلند معتقد است که این ارزش‌های جدید مربوط به سخت‌کوشی و تلاش برای برتری در فرهنگ‌های پروتستان به یک معیار مبدل شد و هر نسلی آن را به نسل بعدی آموزش می‌داد (شولتز، ۱۳۹۲: ۵۶۳). همچنین نتایج بررسی تمدن یونان باستان (در سه دوره رشد، اوج و انحطاط)، اسپانیای قرون وسطی، انگلستان (۱۴۰۰ تا انقلاب صنعتی) و بیست کشور دیگر توسط مک‌کلند نشان دادند (مک‌کلند و آلسولر^۳، ۱۹۷۱: ۴۳) هرگاه سطح نیاز به پیشرفت یک کشور بالاتر باشد نرخ رشد اقتصادی آن کشور بیشتر است و بالعکس، پیش از دوره افت اقتصادی، توفیق‌طلبی کاهش یافته است. این بررسی‌ها از این عقیده حمایت کرد که یک انگیزه خاص هرگاه به‌طور فراگیر در یک فرهنگ آشکار شود قادر است ماهیت آن فرهنگ را به‌طور چشمگیری تغییر دهد (شولتز، ۱۳۹۲: ۵۶۳).

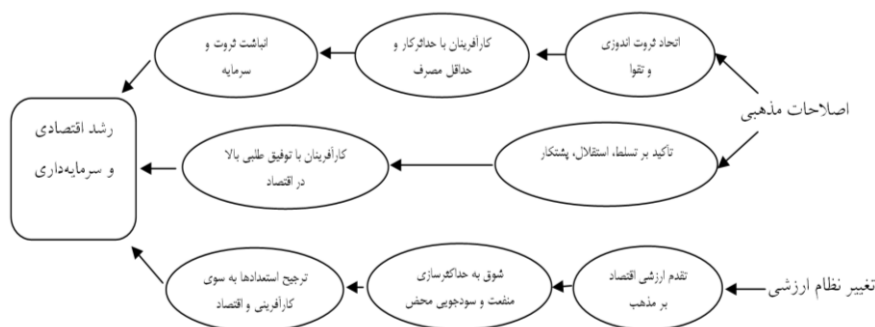
^۱ Need achievement (achievement motivation)

توفیق‌طلبی، الگوی تفکرات و احساسات مربوط به برنامه‌ریزی و تلاش برای یک نوع برتری (excellence) است (مک‌کلند و آلسولر، ۱۹۷۱: ۴۳). از نظر مک‌کلند رفتاری‌های توفیق‌طلبانه شامل هر نوع فعالیتی است که به افزایش غیرعادی حقوق، ترفیع به مشاغل با مسئولیت‌های بالا، افزایش سود، کاهش هزینه‌ها، افزایش میزان فروش و... منجر می‌شود (شولتز، ۱۳۹۲: ۵۶۵).

^۲ independence and mastery training

^۳ McClelland & Alschuler

به‌علاوه، مک‌کلند و همکارانش در کتاب «جامعه موفق^۱» بر مبنای حجم زیادی از داده‌ها و شواهد بیان کردند توفیق‌طلبی و رشد اقتصادی از نظر تاریخی به هم مرتبط هستند و لذا نقش "کارآفرین برانگیخته برای موفقیت" جهت رشد اقتصادی حیاتی است (اسمیت، ۱۹۷۳: ۶۵ و ۶۴). به‌عبارت‌دیگر چون افراد با توفیق‌طلبی بالا به مشاغل تجاری با ماهیت کارآفرینانه گرایش دارند (مک‌کلند، ۱۹۶۵: ۳۸۹) و توفیق‌طلبی به بهترین شکل در رفتار کارآفرینانه متبلور می‌شود به همین علت، وجود درصد نسبتاً بالایی از توفیق‌طلبی در قالب رفتارهای کارآفرینانه در یک کشور نهایتاً در نرخ سریع توسعه اقتصادی بازتاب می‌یابد (مک‌کلند و آلسولر، ۱۹۷۱: ۴۳). بر اساس مجموع آنچه گفته شد وقتی از نگاه مذهب می‌نگریم، جامعه غرب از چند مسیر به رشد اقتصادی منتهی شده است اگرچه این مسیرها می‌تواند فقط پاره‌ای از واقعیت پیچیده نظام سرمایه‌داری باشد.



شکل ۱: کارآفرینی نخستین سرمایه‌داری از نگاه مذهب

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۲. پاسخ اسلام

در این قسمت به منظور پاسخ به سؤال پژوهشی دوم یعنی «آیا این ریشه‌های اعتقادی و مذهبی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی هست یا خیر؟»، چهار مؤلفه پیشین که مربوط به اصلاحات مذهبی مسیحیت هستند به ترتیب بر مبنای آموزه‌های اسلامی ارزیابی می‌شوند اما

¹ The Achieving Society y

باید توجه داشت که برخی باورهای گفته شده در این مؤلفه‌ها به تنهایی، انحراف یا تناقض برجسته‌ای را با آموزه‌های اسلام نشان نمی‌دهد ولی وقتی در قالب یک نظام اعتقادی یکپارچه و هدفمند ملاحظه می‌شوند، انحرافات خود را بهتر آشکار می‌کند.

۶-۲-۱. کار و تکلیف

در تشریح اسلامی، «کار منشأ حقوق و مالکیت خصوصی ثروت‌های طبیعی است». به علاوه، اسلام از جنبه فکری، به کار و تولید تشویق نموده به طوری که کرامت و جایگاه انسان نزد خالق متعال به کار و تولید پیوند داده شده است. همچنین یک سلسله ارزش‌ها و ملاک‌های اخلاقی درباره کار و نکوهش بیکاری ارائه داد که قبل از اسلام سابقه نداشت. در آموزه‌های اسلامی کار در ردیف عبادت است و تنبلی و بیکاری مظهر نقص، پوچی و ابتذال (صدر، ۱۳۵۷: ۱۵۰ و ۲۷۴). مهم‌تر از این‌ها، سستی در کار و امور معیشتی فرد را به کسالت در وظایف معطوف به آخرت می‌کشاند^۱ به همین دلیل برای رسیدن به حیات دلخواه پس از ممات دنیا، باید با موفقیت از این دنیا گذشت.

علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام)، پیشوای اول شیعه، انسان خداپاور را پرکار می‌داند^۲ و اگرچه نقطه دست‌یابی به آرامش و رضایت خاطر برایش دور نیست اما همت او بلند است^۳ تا جایی که در هر ساعتی کار مشخصی را انجام می‌دهد^۴. ایشان در خصوص کسب‌وکار تأکید می‌کند اقدام به تجارت موجب بی‌نیازی از مردم و عزت‌مندی است^۵ و فراتر از این‌ها، تجارت عقل انسان را به کارانداخته و قدرت آن را زیاد می‌کند و مؤکداً گفته شده که رها کردن تجارت به تضعیف عقل منجر می‌شود^۶ و به عبارتی، بیکاری عقل انسان را زایل می‌کند؛ به همین دلیل، حتی برای ثروتمند نیز (صدر، ۱۳۵۷: ۲۷۵) بیکاری نکوهیده است.

^۱ عن ابی جعفر (علیه‌السلام): من کسل عن امر دنیا ف هو عن امر آخرته أكسل (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷: ۵۹).

^۲ المؤمن کثیر العمل (آمدی، ۱۳۸۵: ۸۹).

^۳ المؤمن قریب امره بعید همّه (همان: ۱۲۴).

^۴ فی کل وقت عمل (همان: ۵۳۱).

^۵ تعرضوا للتجارة فان لكم فيها غنى عما فی ایدی الناس (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷: ۱۲).

^۶ امام صادق (علیه‌السلام): التجارة تزيد العقل. ترک التجارة یتقص العقل (ری شهری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۲۸).

اما این فضیلت‌ها برای هر کاری صادق نیست. در اسلام، کار می‌تواند واجب، مستحب، مباح، مکروه و حتی حرام باشد. کار برای تحصیل مخارج خود و خانواده و نیز تأمین نیازهای جامعه از مصادیق کارهای واجب‌اند و لذا اگر فرد مخارج خود و خانواده را مثلاً از طریق ارث دارد، این نوع کار برای او واجب نیست اگرچه به استناد روایات پیش‌گفته بیکاری مؤکداً مذموم است. کار برای ارتقاء آسایش خانواده و نفع رساندن به مؤمنین و فقرا از انواع کارهای مستحب هستند. کار برای زیاد کردن مال بدون مصرف در مقاصد پسندیده یا مذموم از انواع کارهای مباح است اما ترجیحی ندارد (شهیدثانی، ۱۳۸۵: ج ۲ ص ۱۳). این اقسام کار را نمی‌توان خودسرانه و بدون رعایت اصول و قواعد فقهی کم‌وزیاد کرد^۱ درحالی‌که اندیشه پروتستانی، کار را به‌طور مطلق، واجب دینی تلقی می‌کرد و نتیجه این مطلق‌گرایی و تأکید بیش‌ازحد، اصالت یافتن کار (و متعاقباً ثمره کار یعنی افزایش درآمد و پیدایش ثروت) به‌ویژه با مرور زمان بود. گواه این مدعا آن است که افراد ریاضت‌پیشه هنگام مرگ با ثروت انبوه دفن می‌شدند (ترنر، ۱۳۹۰: ۱۰). درحالی‌که انبوه شدن ثروت نشان از مصرف نشدن آن برای مقاصد ضروری یا پسندیده توسط تولیدکننده ثروت است.

۶-۲-۲. مصرف و لذت

در این مورد اختلاف برجسته‌ای بین اسلام و پروتستان مشهود نیست اما به‌هرحال، لذت، خوشی و خرسندی‌ای است که انسان پس از استفاده یا مصرف چیزی احساس می‌کند (ابن فارس بن زکریا، ۱۳۹۰) و مسلمان نباید تحت عنوان زهد یا ریاضت، بهره‌مندی و التذاذ حلال از دارایی را برای خود تحریم کند^۲ چون عاملی برای قدرت یافتن در سایر امور لازم مانند کسب‌وکار و حتی عبادت است^۳. اما در لذات حلال نیز انسان نباید خود را تسلیم هر

^۱ ابا عبدالله (علیه‌السلام): ان حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۸).

^۲ رسول‌الله: لیس الزهد فی الدنیا بتحریم الحلال (ری‌شهری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۹۶۲).

^۳ امام ابی الحسن موسی (علیه‌السلام): إجتهدوا فی أن یکونَ زمانکمُ أربعَ ساعاتٍ... وساعةٌ تخلونَ فیها للذاتکم فی غیرِ محرمٍ و یهدیه الساعةُ تقدرونَ علی الثلاثِ ساعات (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۵: ۳۲۱).

خواسته‌ای کند و یا حدی را برای کفایت قائل نباشد. زیاده‌روی حتی در لذت‌های حلال انسان را از امور و وظایف مهم‌تر بازمی‌دارد و موفقیت او را تهدید می‌کند^۱.

۳-۲-۶. مال اندوزی و ثروت

بدون شک انگیزه اولیه برای فعالیت‌های اقتصادی دستیابی به فواید حاصل از تصاحب مال و ثروت است لذا قبل از هر چیز باید نگرش اسلام به مال و ثروت بررسی شود همچنان که به گفته شهید مطهری آنگاه که می‌خواهیم نظری به نظام اقتصادی بیفکنیم اول باید ببینیم نظر اسلام درباره ثروت و مال چیست؟ (مطهری، ۱۳۶۰: ۲۵). پس نگرش به ثروت اساسی‌ترین موضوع در کارآفرینی اسلامی است.

مال همه آن چیزی است که تحت ملکیت فرد است؛ یعنی دارایی (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۱: ۶۳۵) و اگر دارایی‌ها به مقدار کافی برای تأمین نیازها باشد، غنا حاصل می‌شود (ابن فارس بن زکریا، ۱۳۹۰). پس غنا حالت بی‌نیازی از دارایی‌های دیگران و ضد فقر است (ابن منظور، بی‌تا). حال اگر دارایی یا همان مال، بیش از حد کفایت بر نیازها باشد و متصف به کثرت (ابن فارس بن زکریا، ۱۳۹۰) و زیادی شود به آن ثروت گفته می‌شود. پس ثروت، فوق‌غنا و بی‌نیازی است^۲ (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۱۱). بر این اساس، این حالت‌ها نسبی هستند چون به تبع نیاز معنی پیدا می‌کنند و سطح نیاز هر فرد به نسبت خود او مشخص می‌شود. بنابراین، دارایی انسان می‌تواند کمتر از میزان کفایت و در حالت فقر باشد یا اینکه به میزان کفایت و نیاز و در حالت غنا باشد و یا اینکه بیش از میزان نیاز و در حالت ثروت باشد. شناخت موضع آموزه‌های اسلامی نسبت به این سه حالت انحرافات اعتقادی پروتستان درباره ثروت را نمایان می‌کند.

انسانی می‌تواند برای جامعه سودمند باشد که اولاً برای تأمین نیازهای زندگی و حفظ آبرو و جایگاه اجتماعی خود و توانایی یافتن بر امور لازم زندگی در پی کسب‌وکار و به دست

^۱ هواک اعدی علیک من کلّ عدوّ فأغلبه والا اهلکک (علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام)، ۱۹۹۰م).

^۲ یقال انه لذو ثراء و ثروة، یراد انه لذو عدد و کثرة مال. و أثری الرجل و هو فوق الاستغناء.

آوردن مال و دارایی باشد؛ کسی که در تأمین نیازهای خود ناتوان است، در تأمین نیازهای جامعه ناتوان‌تر است^۱ چراکه دستگیری مشروط به دارایی است^۲ به‌علاوه، نتیجه این دارایی، بی‌نیاز شدن از دیگران^۳ و رسیدن به سرافرازی و ارجمندی در جامعه^۴ است پس انسان خداپاور باید برای رسیدن به نقطه بی‌نیازی تلاش کند^۵؛ چنین انسانی ضمن اینکه محبوب خداوند متعال است^۶ فرا رفتن از نقطه بی‌نیازی و کسب مال و افزایش درآمد برای او مرزی ندارد^۷ اما مال مازاد بر نیاز مؤکداً پسندیده است که انباشته و به ثروت شخصی تبدیل نشود^۸ بلکه برای نیازمندی‌های دیگران در جهت جلب رحمت بیشتر پروردگار صرف شود^۹. اما چرا؟ ثروت به‌خودی‌خود (بدون وجود امر مذمومی در نحوه تحصیل یا مصرف) یک نعمت^{۱۰} است اما نعمت هم می‌تواند سببی برای ابتلا به آزمایش‌ها^{۱۱} و تهدیدی برای ایمان و سعادت فرد باشد چراکه ثروت به علت منافی که برای فرد به همراه می‌آورد از جمله خوش‌نامی،

۱. جعفر صادق (علیه‌السلام): لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَجِبُ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ، يَكْفُفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَةً (ری‌شهری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۹۴۹).

۲. لاسخاء مع عُدْم (آمدی، ۱۳۸۵: ۶۳۵).

۳. ابو عبدالله (علیه‌السلام): مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۴۸).

۴. عز‌المرء استغناؤه عن الناس (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۳۳).

۵. المومن غنی (آمدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴). لا بأس بالغنی لمن أتقى (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

۶. إن الله تعالی يحبّ العبد التقی الغنی الحفی (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۱۶۶).

۷. نعم المال الصالح للرجل الصالح (ری‌شهری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۹۵۰). نعم العون علی تقوی الله المال (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۵۷۷).

۸. ما خشی علیکم الفقر ولکنی اخی علیکم التکاثر.

۹. رحم الله من انفق الفضل من ماله (همان: ۱۶۷).

۱۰. إن من النعم سعة المال (آمدی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). امیرالمومنین (علیه‌السلام) قال: ...إذا اردت ان یثری الله مالک فزکه (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۲: ۱۶۴) (دبلی، ۱۳۸۵: ۳۷۶) (نوری، بی‌تا، ج ۴: ۴۷۲) (قمی، بی‌تا، ج ۴: ۶۹). رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله): فان الصدقه لا تنقص المال و لكن تزيد فيه - فان الصدقه تزيد فی المال کثرة - ان البرّ و الصله لیطیلان الاعمار و یعمران الدیار و یثریان الاموال و لو کان القوم فجارا (محمّدی ری شهری، بی‌تا، ج ۳: ۴۴۷ و ۵۸۶). امیرالمومنین (علیه‌السلام): ان القوم لیکونون فجارا فیتواصلون فتنمی اموالهم و یثرون (محمودی، ۱۴۳۰، ج ۹: ۳۹۷ و ۳۹۸) (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۳۶۶). عن علی بن الحسین: القول الحسن یثری المال و ینمی الرزق (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۱۸۶) (اسماعیلی یزدی، بی‌تا، ج ۲: ۵۱۹).

۱۱. امام علی (علیه‌السلام): المال للفتن سبب (ری‌شهری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۹۴۶).

ارجمندی^۱، ارتقاء جایگاه اجتماعی^۲، آرامش خاطر خویشان نزدیک^۳ و ... موجب شیفتگی و دل‌بستگی شده و گذشتن از آن و صرف در مقاصد خیر را دشوار می‌کند^۴ و نیز از آنجاکه به موازات فزونی مال، قدرت فرد افزایش می‌یابد^۵ متعاقباً خواست‌ها و آرزوهای بالاتری نیز برای خود در سر می‌پروراند و بیشتر متوجه خود می‌شود^۶ درحالی‌که این فزونی مال برای او مسئولیت‌های اخلاقی مانند توجه بیش‌ازپیش به نیازمندی دیگران را نیز به همراه می‌آورد^۷ مضافاً عامل دیگری، صرف مال مازاد و جلوگیری از انباشت را بیشتر موجه می‌کند؛ انسان اموال موردنیاز را در حال استفاده می‌کند، اما به هیچ مقداری نمی‌تواند مطمئن باشد که در آینده حتی نزدیک از اموال مازاد بر نیاز خود نیز بهره‌مند خواهد شد چون از نقطه پایان زندگی خود باخبر نیست اما با اطمینان کامل می‌تواند همین اموال مازاد را قبل از انباشت و تبدیل شدن به ثروت به زندگی آخرتی خود منتقل کند^۸ این انتقال با شرطی به نام اخلاص و با حقیقتی به نام ثواب و از راهی به نام انفاق صورت می‌پذیرد^۹. اگر انسان چنین نکند علاوه بر اینکه بهره کاملی از مال خود نبرده، افتخار و محبوبیتی نیز در نزد مردم^{۱۰} و پروردگار به دست نیاورده چون در عین توانایی، برخلاف مروت و سخاوت^{۱۱} رفتار کرده و این نشان از تنزل گوهر وجودی او است^{۱۲}.

^۱الحسبُ المالُ (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

^۲الامام علی (علیه‌السلام): المال یرفع صاحبه فی الدنیا و یضعه فی الآخرة (ری‌شهری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۹۴۶).

^۳المال سلوة الوارث (آمدی، ۱۳۸۵: ۳۸).

^۴ان ابلیس یبعث اشدَّ اصحابه واقوی اصحابه الی من یصنع المعروف فی ماله (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۱۶۶).

^۵المال یقوی غیرالأید (آمدی، ۱۳۸۵: ۴۲).

^۶الامام علی (علیه‌السلام): المال ماده الشهوات ویقوی الآمال (ری‌شهری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۹۴۶).

^۷من اوسع الله علیه نعمة و جب علیه أن یوسع الناس انعاماً (آمدی، ۱۳۸۵: ۷۸۶).

^۸عن الحسن بن علی (علیه‌السلام) أن سائلاً کان یسأل یوماً فقال: ... یقول: أنا رسولکم، إن أعطیتمونی شیئاً أخذتُهُ و

حَمَلْتُهُ الی هناک وألاً أُرِدُّ و کَفَى صِفراً (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲).

^۹امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): خیر المال ما أنفق فی سبیل الله (الحسینی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۴۰) من لم یتفضّل لم ینل

(آمدی، ۱۳۸۵: ۷۱۲).

^{۱۰}من جمع المال لینفع به الناس أطاعوه و من جمعه لنفسه اظاعوه (همان: ۷۳۹).

^{۱۱}مع الثروة تظهر المرأة. لافخر فی المال مع الجود (همان: ۶۴۶ و ۸۳۰).

^{۱۲}المال یتدی جواهر الرجال و خلائقها (همان: ۷۱).

همچنین اگر مال مازاد منتقل نشده و انباشت شود، گذشته از ددرسره‌های^۱ نگه‌داری و حفظ از نقصان و آسیب، و مسئولیت سخت پاسخگویی^۲ در خصوص نحوه تحصیل و مصرف در زندگی آخرتی، این مال را تنها تا پایان زندگی دنیایی مالک است و پس از آن هیچ مالکیت و منفعتی از آن ندارد اما در صورت انتقال از طریق انفاق، مالکیت و منفعت خود را در زندگی آخرت استمرار خواهد داد و آیا انسان عاقل نباید مالکیت و منفعت مستمر خود را بر سپردن به دیگران پس از کوتاه‌مدتی ترجیح دهد^۳. به کوتاه‌سخن، ثروت سطح بیشینه دو ویژگی ناسازگار یا حتی متناقض را در خود جمع کرده که تصمیم را برای دارنده آن دشوار می‌کند: جذابیت و مسئولیت^۴. بر پایه این شناخت^۵، مؤمن تصمیم می‌گیرد در پی مقدار کافی مال و بی‌نیازی از دیگران (تلاقی نیاز فردی و جایگاه اجتماعی) باشد تا اینکه مال مازاد بدین گونه زندگی آخرتی او را تهدید کند^۶. اینجاست که شهید صدر می‌گوید: اسلام با ذخیره پول مبارزه کرده و آن را مضمول مالیات قرار داده و مردم را به مصرف پول در زمینه‌های تولیدی تشویق کرده است (صدر، ۱۳۵۷: ۲۸۴).

پروتستان برای تشویق به ثروت‌اندوزی پرهیزگاران خود، بین دو گزینه آزمندی (حرص) و بیکاری (بطالت)، حرص را ترجیح داده و برتری آن را اثبات می‌کند درحالی‌که بدون شناخت متغیرهای متعدد حاکم بر زندگی فرد نمی‌توان گفت کدام یک آسیب‌های کم‌تری به بار خواهند آورد. انسان بیکار در نتیجه فقر گرسنه است و انسان حریص هم چون هیچ‌گاه سیر نمی‌شود^۷

^۱ المال وبال علی صاحبه الا ما قدم منه (همان: ۱۲۳).

^۲ ذوالدرهمین اشد حساباً من ذی الدرهم (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

^۳ رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله): مألک ما قدمت و مال وارثک ما آخرت (همان: ۵۷۲).

^۴ جالب اینکه آدم اسمیت به این نکته اشاره کرده: طلب‌کنندگان ثروت اغلب از مسیر فضیلت خارج می‌شوند، چون شوربختانه، جاده‌ای که به یکی ختم می‌شود گاه در جهت مخالف آن مقصد دیگر قرار دارد (بیکر، ۱۳۹۵: ۳۵).

^۵ ینبغی للعقل أن یحترس من سُکر المال و سُکر القدره (آیدی، ۱۳۸۵: ۸۷۳).

^۶ زیاده الدنیا تُفسد الآخرة (همان: ۴۴۴) مائل و کفی خیرٌ ممّا کثر و الهی (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

^۷ منهرمان لایشبعان: طالب العلم و طالب الالمال (همان: ۵۷۶).

پس فقیر^۱ است. درست است که فقر خطرناک است اما خطر حرص نیز برای ایمان کمتر از خطر فقر نیست^۲. روش تشویقی که از آموزه‌های اسلامی اقتباس می‌شود این است که به جای طرح دو گزینه‌ای که به‌زعم پروتستان بد و بدتر هستند (حرص-بطالت)، دو گزینه خوب و خوب‌تر (عبادت بدون کار-تلاش برای تأمین نیازهای خود و دیگران) را مطرح کرده و دومی را این‌گونه رجحان می‌دهد: انسان کوشا برای روزی، در پیشگاه حق تعالی از عابد بیکار بافضیلت‌تر است^۳ و بر مبنای سخنان نبوی(ص) هر کس از تجارت و کسب‌وکار به‌سوی عبادت روی‌گردان شود مورد استجاب خداوند نخواهد بود (انصاری، ۱۴۳۲، ج ۴: ۳۷۷) چراکه عبادت جایگزین پیگیری کسب‌وکار نیست. بنابراین، به فرض اینکه پیروان هر مذهب از ارشادات موجود در دو روش پیش‌گفته اطاعت کنند، روش اول عوارض بیشتری به دنبال خواهد داشت.

۴-۲-۶. هدف و غایت

اسلام و ریاضت پروتستان، هر دو، غایت و هدف انسان را رستگاری اخروی می‌دانند اما اندیشه پروتستان این بود که رستگاری یک انتخاب الهی و نشانه آن، موفقیت در کار و امور دنیوی است. صرف‌نظر از اینکه، چنین باوری، نشان از نوعی جبرگرایی است (دنه‌ارت، ۱۳۸۸: ۴۴) آیا حقیقتاً نیل به توفیق این دنیایی، سعادت آن جهانی را نتیجه خواهد داد؟ درست است که سعادت از طریق انجام تکالیف جاری در امور روزانه زندگی رقم خواهد خورد اما تا معنای دقیق توفیق و تکلیف روشن نباشد این اندیشه می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در آموزه‌های اسلام عوامل مختلفی رستگاری را موجب می‌شوند از جمله: ایمان، فرمان‌برداری از خدا و فرستاده او،

^۱ لیس لحریص غناء (آمدی، ۱۳۸۵: ۶۶۳).

^۲ ما ذئبان ضاریان فی زریبه غنم باسرع فیها من حب الشرف و المال فی دین المرء المسلم-ایاکم و الشح فانماهلک من کان قبلکم بالشح (فریدتنکابنی، ۱۳۸۰: ۵۷۶ و ۵۷۷).

^۳ لقدتعلم علی من رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) من یسعی فی طلب الرزق کمن ینقطع للعباده و أن العمل لعمارة الأرض و إسعاد الناس و الجهد فی تحقیق مصالح الأمة، هی أفضل ما یتقرب به العبد الصالح إلى الله (مدرسی، بی تا: ۲۴۹). عیسی(علیه‌السلام) رأی رجلاً فقال ماتصنع؟ قال أتعبد. قال من یعولک؟ قال أخی. قال اخوک أعبد منک (غزالی، بی تا: ج ۴: ۱۷۰).

فراوانی یاد خدا، افعال خیر، تزکیه، تلاش و مجاهدت جانی و مادی در راه خدا^۱. بنابراین، توفیقی در این دنیا می‌تواند آن اطمینان پروتستان را حاصل کند که برای سعادت اخروی علت باشد نه نشانه! چون نمی‌توان با به دست آوردن نشانه‌های یک حقیقت، به‌طور قطعی از نیل به آن حقیقت مطمئن شد. پروتستان راهی را برای سعادت توصیه می‌کند که به نشانه‌های سعادت منتهی است نه خود سعادت و حتی این نشانه نیز همبستگی حتمی با سعادت ندارد.

برای رسیدن به سعادت و قرب الهی، سلسله‌ای از اهداف تعریف شده است که هر حلقه نسبت به قبل خود، دارای اصالت بیشتری است. مالکیت ثروت‌های طبیعت با کار وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف جانشینی عمومی یعنی تأمین حوائج مختلف انسان‌ها نه برای روی هم نهادن آن‌ها (صدر، ۱۳۵۷: ۱۹۲) و وقتی این نیازها مرتفع شدند باید به اهداف متعالی‌تر متوجه شد. کار و نماز هر دو به‌عنوان عبادت حلقه‌های آن سلسله هستند اما حتی نماز که نسبت به کار در مرتبه بالاتری است بدون توجه به حلقه بالاتر یعنی تقرب به خدا اصالتی ندارد^۲ و لذا تأکید بیش‌ازحد به کار، تعادل این سلسله را به هم می‌زند. و بدتر از این، چیزی است که در مسیر سوم (شکل ۱) اتفاق افتاد یعنی تغییر نظام ارزشی و مقدم کردن اقتصاد بر مذهب. این امر، به "حداکثرسازی منفعت و سودجویی محض" مشروعیت بخشید و به ویژگی کنونی نظام اقتصادی غرب (منطق گسترده‌خواهی و استیلاجویی) که پیش‌تر بیان شد منجر شد زیرا وقتی مذهبی در پیش نباشد تا خواسته‌های نامتناهی انسان را کنترل و هدایت کند، قهراً گسترده‌خواهی پدید می‌آید. این ویژگی نه‌تنها آشکارا با آیه‌های قرآن مغایرت دارد^۳

^۱ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (مؤمنون: ۱)، أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (نور: ۵۱)، وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه: ۱۰)، وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (حج: ۷۷)، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (اعلی: ۱۴)، جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (توبه: ۸۸).

^۲ امیرالمومنین (علیه السلام): الصلاة قربان کل تقی و انها عمود دینکم (عاشور، ۱۴۲۸، ج ۱۱: ۴۵). قربان: کل مایتقرب به الی الله (انیس و همکاران، بی تا: ۷۲۳).

^۳ تَرِيدُونَ غَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ (الأنفال: ۶۷). فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (الرعد: ۲۶). أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (التوبه: ۳۸). مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى (النساء: ۷۷). إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (نعمان: ۳۳) (فاطر: ۵). الَّذِينَ يَسْتَحْبِبُونَ

که حتی با بسیاری از آیه‌های اناجیل چهارگانه آشکارا (در سطح جمله) مغایر است^۱ و نیز با نظام اندیشه‌ای (در سطح کل متن) که با روش معنی‌شناسی از اناجیل حاصل می‌شود نیز در تقابل است و این نشان از پیدایش انحراف اعتقادی در جریان رشد نظام سرمایه‌داری است. به‌هرحال، همان‌گونه که تحقیقات مک‌کلند و نیز پژوهش‌های امروزی تأکید می‌کنند برای گسترش رفتارهای کارآفرینانه به سطح بالای توفیق‌طلبی نیاز است (سایبو و عبدالله،^۲ ۲۰۱۸: ۱۹۰) اما بدون شک برای انگیزش و جهت‌دهی این رفتارها، وحی الهی می‌تواند منشأ تأثیر باشد و بهترین دلیل برای این مدعا رخدادهایی است که در گذشته واقع شده، در این خصوص علامه طباطبایی (ره) معتقد است؛ عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم مختلف، انگیزه‌ای بود که قرآن در نفوس مسلمانان فراهم کرد و مدنیت وسیع اسلامی یکی از آثار بارز قرآن بود و از پرتو اسلام هرچه به جهان تابیده، بی‌تردید از قرآن می‌باشد و بدیهی است چنین تحولی که یکی از حلقه‌های بارز در سلسله حوادث جهان می‌باشد در حلقه‌های بعدی تأثیر بسزایی خواهد داشت و از این‌روی، یکی از علل و مقدمات تحول امروزی و بسط و پیشرفت فرهنگ

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ... وَأُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (إبراهيم: ۳) و معانی مشابهی نیز در این آیات: (البقره: ۸۶) (البقره: ۲۰۰) (آل عمران: ۱۸۵) (یونس: ۷) (الأنعام: ۳۲) (العنکبوت: ۶۴) (الشوری: ۲۰).

^۱ عیسی مالکیت تمام مملکت‌ها را نپذیرفت و خدا را اطاعت کرد (متا ۴: ۹ و ۱۰). نمی‌توانی هم بنده خدا باشی و هم بنده پول (متا ۶: ۲۴). عشق به پول، کلام خدا را در انسان خفه می‌کند (متا ۱۳: ۲۲). چه فایده دارد اگر تمام دنیا را داشته باشی ولی زندگی جاوید را از دست بدهی؟ (متا ۱۶: ۲۶). وارد شدن ثروتمند به ملکوت آسمان مشکل‌تر از عبور شتر از سوراخ سوزن است (متا ۱۹: ۲۴). عشق به ثروت، شهرت‌طلبی و... فکر را مشغول می‌کند که نمی‌گذارد بذر پیام خدا بر زمین قلب ثمر بدهد (مرقس ۴: ۱۸-۲۰). غصه نان را نخورید و به دنبال جلال و شهوت دنیا نباشید (مرقس ۸: ۱۶ و ۲۱). کسی که بخواهد پیرو من باشد باید از آرزوها و آسایش خود چشم‌پوشد (مرقس ۸: ۳۴). خدا ثروتمندان را دست‌خالی پس فرستاد (لوقا ۱: ۵۲). وای به حال ثروتمندان چون دوران خوشی‌شان فقط همین دنیاست (لوقا ۶: ۲۴). احق است کسی که در این دنیا مال و ثروت جمع کند ولی توشه‌ای برای آخرت جمع نکند (لوقا ۱۲: ۲۱). هرچه دارید بفروشید و به فقرا بدهید برای آخرت که ثروت آسمانی هرگز تلف نمی‌شود. هرچا ثروتمندان باشند فکر و دلتان همان‌جاست (لوقا ۱۲: ۳۳ و ۳۴). شیطان فرمانروای این دنیا است (یوحنا ۱۴: ۳۰) و آیه‌های بسیار دیگری نیز قریب به این معانی (انجیل عیسی مسیح: ترجمه تفسیری عهد جدید، ۱۳۵۷) (کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۸۰) (ترجمه اناجیل اربعه، ۱۳۷۵) (عهدین، بی‌تا).

² Sabiu & Abdullah

جهان، قرآن مجید خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۱۱ و ۱۱۲). شهید مطهری (ره) نیز در تأیید این معنا بیان می‌کند؛ تاریخ این نکته را روشن می‌کند که عملاً هیچ کتابی به اندازه قرآن روی جوامع بشری و زندگی انسان‌ها تأثیر نگذاشته است (مطهری، بی تا: ۸).

قرآن برای انگیزش انسان، سلسله‌ای از توفیقات دنیایی (بهره‌مندی از زینت‌های الهی مانند مال و خانواده^۱، تحصیل نصیب انسان از دنیا^۲، عمران و آباد کردن زمین^۳، جانشینی انسان در زمین^۴) را برای انسان تعریف و مورد تشویق قرار می‌دهد و سپس او را متوجه توفیق نهایی یعنی رسیدن به رحمت پروردگار می‌کند^۵ و بدین گونه دنیا و آخرت او را پیوندی سازنده می‌دهد. باور فرد به امکان دستیابی به این توفیقات، در یافتن موهبت‌ها و استعدادها، منحصر به فرد او کمک می‌کند و همین، او را به کاری که از او انتظار می‌رود رهنمود می‌کند و به زندگی شغلی معنی و هدف می‌بخشد (ریچارسون^۶، ۲۰۱۶: ۱۴۷) و این نیک‌بود معنوی^۷ بر توفیق فرد تأثیر سازنده می‌گذارد (مظفری و همکاران^۸، ۲۰۱۳: ۳۴۴۰).

۷. نتیجه گیری

شواهد نشان می‌دهد دو ویژگی "نگرش مذهبی به ثروت‌اندوزی" و "توفیق‌طلبی زیاد اقتصادی"، فعالیت‌های کارآفرینانه را برای رشد سرمایه، تحریک و هدایت کرده است و در

۱. مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (الأعراف: ۳۲) الْمَالُ وَالْأَنْبُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا (الکهف: ۴۶).

۲. وَ اتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَسْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ (القصص: ۷۷)

۳. يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود: ۶۱). عماره متضاد خراب است و استعمار یعنی «خواستن آبادی». بنابراین معنای آیه این است که خدا انسان را چنان سرشت که در زمین تصرف کند و آن را به حالتی درآورد که در زندگی‌اش سودمند افتد و نیازها و کمبودهایی که احساس می‌کند به وسیله آن رفع کند (طباطبایی، ۱۳۴۹، ج ۲۰: ۱۷۶).

۴. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ (النور: ۵۵) آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ انْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ انْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (الحديد: ۷)

۵. رَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (الزخرف: ۳۲)

⁶ Richardson-McGee

⁷ Spirtual Well-bing

⁸ Mozaffari, Tabbodi & Rahgozar

تربیت کارآفرینانی که متصف به دو ویژگی پیش‌گفته باشند، اصلاحات مذهبی مسیحیت نقش داشته است؛ یعنی کارآفرینی نخستین سرمایه‌داری با تأثیرپذیری از مذهب، تشویق و هدایت می‌شد اما ویژگی معاصر نظام سرمایه یعنی "اشتقاق به سودجویی محض و گسترده‌خواهی اقتصادی"، نه تنها با تأثیرپذیری پیشین خود از مذهب انطباق ندارد که با آموزه‌های کتاب مقدس مسیحیت (اناجیل اربعه) نیز همسویی ندارد و این، ناشی از اولویت بخشیدن به اقتصاد در مقابل مذهب است. این نتایج از این مطلب حمایت می‌کنند که فعالیت‌های کارآفرینانه یک جامعه در مسیر رشد تاریخی خود، قادر است یک نظام اقتصادی را ایجاد کند که اندیشه اخلاقی حاکم بر آن با آموزه‌های مسلم اعتقادی جامعه مغایر است^۱. اکنون که نتایج پژوهش حاکی است که عقاید مذهبی در فعالیت‌های کارآفرینی و متعاقباً رشد اقتصادی غرب نقش مؤثر داشته باید گفت؛ به رغم برخی اشتراکات جزئی، به طور کلی بنیان‌های اعتقادی و مذهبی موجود در کارآفرینی نخستین سرمایه‌داری مورد تأیید آموزه‌های اسلامی نیست و لذا هنگام ترویج و توسعه کارآفرینی، به منظور مقابله با سرّیان خوی گسترده‌خواهی اقتصادی آزاد از هر قید، باید آموزه‌ها و مبانی اسلامی را ملتمزم بود.

سرمایه‌داری درنهایت، نوعی تفکر و ذهنیت در خصوص سود و ثروت است و فعالیت‌های کارآفرینانه حول مقاصد افراد در خصوص سود و ثروت شکل می‌گیرد. به همین علت، نیاز به تأثیرپذیری از آموزه‌های وحیانی در مرحله بلوغ فعالیت‌های کارآفرینانه یعنی هنگامی که جاذبه‌های ثروت ملموس می‌شود، به مراتب بیشتر از مرحله انگیزش فعالیت‌های کارآفرینانه است. از این‌روست که در آموزه‌های اسلامی تشویق مستقیم و بدون شرط به ثروت‌اندوزی مشاهده نمی‌شود بلکه فزونی مال و ثروتی مورد تشویق اسلام است که ثمره دو منشأ اصلی باشد:

✓ کار و تلاش (عامل طبیعی).

^۱ سرمایه‌داری توانسته، صدها هزار شغل و امکان امرارمعاش را نابودکرد. این وضعیت فاجعه‌ای است با ماهیتی دقیقاً سرمایه‌دارانه، کابوسی از حرص و لگام‌گسیختگی (کلاین، ۱۳۸۹: ۵۰۴-۵۰۵).

✓ انجام برّ و نیکی از جمله زکات، انفاق، صدقه (عوامل اقتصادی یا همان گردش مالی)، صلہ رحم، و سخن نیک (عوامل اخلاقی).

در این راستا، قابلیت تأثیرگذاری قرآن بر جامعه مسلمین و تأثیرپذیری تاریخی مسلمین از قرآن، که مورد تأیید اسلام‌شناسان برجسته داخلی و نیز اندیشمندان خارجی است^۱ از این عقیده حمایت می‌کند که با باور راسخ به آموزه‌های وحیانی (بهره‌مندی از زینت‌های الهی مانند مال و دارایی، نصیب انسان از دنیا، آباد کردن زمین، جان‌شینی انسان در زمین، و نهایتاً رسیدن به رحمت پروردگار) می‌توان متوجه استعدادها شد و تمایل قوی به پیشرفت و عالی‌ترین انگیزه‌های توفیق‌طلبانه را داشت. همچنان که مطالعات مربوط به انگیزه توفیق‌طلبی جوامع نشان می‌دهد هیچ‌چیز آشکارتر از این نیست که موفقیت‌های بزرگ در یک فرهنگ، توسط تمایلات قوی حدائق برخی افراد به موفقیت، پدید می‌آید (ریچارسون، ۲۰۱۶: ۱۴۷). وقتی یک انگیزه خاص از طریق باورهای قاطع فرهنگی در گروه‌های اثرگذار جامعه جاری شود می‌تواند آن جامعه را تغییر دهد.

از این رو، اسلام برخلاف آنچه در کارآفرینی سرمایه‌دارانه مشاهده می‌شود، توفیق‌طلبی اقتصادی را با افراط‌گری در اهمیت بخشیدن به کار، تقدیس حداکثرسازی ثروت فردی و ایجاد شهوت ثروت‌اندوزی، القاء بالاترین اهمیت برای سود و منفعت اقتصادی، رها کردن احتیاج‌ها از هر بندی و سر سپردن به فعالیت‌های اقتصادی بدون ترمز، و ضمانت سعادت آخروی از طریق توفیق اقتصادی، تشویق نمی‌کند بلکه ضمن پذیرش اینکه انگیزه اصلی "در" فعالیت‌های اقتصادی کسب سود است، انگیزه اصلی "از" فعالیت‌های اقتصادی را غایت‌های عالی و الهی می‌داند.

حتی وقتی نظریاتی مانند نظریه بشلر را درست بدانیم مبنی اینکه رشد اقتصادی غرب نتیجه حذف موانعی از جمله مذهب است، در این صورت پیداست که اولاً ارشادات

^۱ تشویق اسلام به تفکر و تعلم یکی از دلایل پیشگامی گذشته‌ی جهان عرب [اسلام] در ریاضیات، علوم و پزشکی در جهان بود (چنگ، ۱۳۹۲: ۲۸۵).

ایدئولوژیکی و مذهبی در خصوص حدود مرز احتیاجات انسانی و سودطلبی می‌توانست مسیر رشد اقتصادی غرب را دچار تغییر کند و این همان نقش بالقوه مذهب است. ثانیاً پیداست که آزاد کردن همه خواسته‌ها از چارچوب مذهب، به وضوح با آموزه‌های قرآنی و وحیانی منافات دارد چون اهمیت تلاش‌های اقتصادی نباید به ترجیح اقتصاد بر مذهب وحیانی بیانجامد زیرا در اسلام باور راسخ این است که آنچه پرودگار به انسان اختصاص می‌دهد بهتر از همه دارایی‌های اوست:

- ✓ الَّذِينَ يَسْتَجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ... أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ^۱ (ابراهیم، ۳)
- ✓ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ^۲ (النحل، ۹۶)

در مجموع، اگرچه در مسیر پیشرفت اقتصادی جلوه‌هایی از کارآفرینی مذهبی و سکولار به چشم می‌خورد (زواگ^۳، ۲۰۱۵: ۲) و نمی‌توان در خصوص تأثیر مذهب بر فعالیت‌های کارآفرینانه نتیجه‌ای عام و فراگیر ارائه داد اما به‌رغم اینکه نظام سرمایه‌داری از عقاید کتاب مقدس مسیحیت فاصله گرفته، در عین حال، در برخی نقاط جهان از جمله چین، جامعه مسیحیان در حال توسعه کارآفرینی منطبق با ارزش‌های کتاب مقدس هستند (استاکلبرگر^۴، ۲۰۱۶: ۳۴ و ۴۹ و ۱۷۱) در این راستا، سی‌برایت می‌گوید: کارآفرینی مذهبی و سکولار اشکال متنوعی دارند و کشف رابطه بین آن‌ها اهمیت بسزایی در درک این مطلب خواهد داشت که مذهب حضور روشن و حتمی در جهان آینده خواهد داشت و جهان را در قرن ۲۱ شکل خواهد داد (سیبرایت^۵، ۲۰۱۶: ۲۱۷). این واقعیات اهمیت همسو شدن فعالیت‌های کارآفرینانه مسلمانان با آموزه‌های یکپارچه و مسلم خود با محوریت قرآن را بازگو می‌کند.

^۱. همان‌ها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند ... آنها در گمراهی دوری هستند!

^۲. آنچه نزد شماست فانی می‌شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است.

^۳ Zwaag

^۴ Stückelberger

^۵ Seabright

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس بن زکریا، احمد (۱۳۹)، معجم مقاییس اللغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. ابن منظور، محمد (بی تا)، لسان العرب، بیروت-لبنان: دارالفکر للطباعة.
۳. احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، محمد (۱۳۹۲)، مبانی کارآفرینی، تهران: فراندیش
۴. اسماعیلی یزدی، عباس (بی تا)، ینابیع الحکمه، قم: جمکران.
۵. الن میک، سینز وود (۱۳۸۶)، دموکراسی در برابر سرمایه داری تجدید حیات ماتریالیزم تاریخی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: بازتاب نگار.
۶. امیری، مهدی و امیری، زهره (۱۳۹۳)، مبانی و مؤلفه های کار و کارآفرینی در قرآن و روایات، مشکوه شماره ۱۲۴، صص ۴۲-۵۹.
۷. انجیل عیسی مسیح: ترجمه تفسیری عهد جدید (۱۳۵۷)، تهران: سازمان ترجمه تفسیری کتاب مقدس.
۸. انصاری، مرتضی (۱۴۳۲ه.ق)، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۹. انیس، ابراهیم و منتصر، عبدالحلیم و الصوالحی، عطیه و خلف الله احمد، محمد (بی تا)، المعجم الوسیط، تهران: ناصر خسرو.
۱۰. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۵)، غرر الحکم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: امام عصر.
۱۲. بامول، ویلیام جی و لیتان، رابرت ای و شرام، کارل جی (۱۳۸۹). سرمایه داری خوب، سرمایه داری بد، و اقتصاد رشد و کارآفرینی، ترجمه خالصی و حبیبی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. برنارد، لوییس (۱۳۸۷)، تمدن اسلامی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، تاریخ اسلام، دوره ۹، شماره ۳۳-۳۴، صص ۲۰۷-۲۲۶.

۱۴. بشلر، ژان (۱۳۷۰)، *خاستگاه‌های سرمایه داری*، ترجمه رامین کامران، تهران: نشر البرز.
۱۵. بیکر، ریموند ویلیام (۱۳۹۵)، *پاشنه آشیل سرمایه داری پول کثیف و چگونگی احیای نظام بازار آزاد*، ترجمه سجاد امیری، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۶. ترجمه اناجیل اربعه (۱۳۷۵)، ترجمه محمدباقر حسینی خاتون آبادی، تهران: نشر نقطه (میراث مکتوب).
۱۷. ترنر، برایان (۱۳۹۰)، *ماکس وبر و اسلام بررسی انتقادی*، ترجمه سعید وصالی، تهران: نشر مرکز.
۱۸. چنگ، هاجون (۱۳۹۲)، *نیکوکاران نابکار افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه داری*، ترجمه میرمحمد نبوی و مهرداد شهابی، تهران: کتاب آمه.
۱۹. حجازی، سیدرضا (۱۳۹۱)، *تبیین رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم شاکله ی دینی، توسعه کارآفرینی، دوره ۵ شماره ۴، صص ۶۷-۸۶*.
۲۰. حر عاملی، محمد (۱۴۱۶)، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل البيت.
۲۱. خنیفر، حسین. (بی تا)، *کارآفرینی در ادیان و مکاتب (مطالعه موردی: نظام ارزشی اسلام)*، بی تا.
۲۲. داب، موریس (۱۳۷۹)، *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه داری*، ترجمه حبیب الله تیموری، تهران: نشر نی.
۲۳. دنهاوت، رابرت بی (۱۳۸۸)، *تنوری‌های سازمان دولتی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن. دانایی فرد، تهران: صفار.
۲۴. دوسوتو، هرناندو (۱۳۸۶)، *راز سرمایه چرا سرمایه داری در غرب موفق می شود و در جاهای دیگر شکست می خورد؟*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.
۲۵. دیلمی، حسن (۱۳۸۵)، *غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الائمة الأطهار علی امیر المؤمنین، قم: دلیل ما.*

۲۶. ری شهری، محمد (۱۴۲۲)، *میزان الحکمه*، بیروت-لبنان: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۲۷. زرشناس، شهریار (۱۳۸۳)، *سرمایه سالاری کاپیتالیسم*، تهران: کتاب صبح.
۲۸. سبحانی، حسن و احقاقی، میثم و نادری، اسماعیل (۱۳۹۱)، کارآفرینی از منظر ادیان توحیدی با تأکید بر نظام اقتصادی اسلام، *توسعه کارآفرینی*، دوره ۵ شماره ۴، صص ۱۸۸-۱۶۹.
۲۹. شولتز، دوان (۱۳۹۲)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و فرهاد جمهری و سیامک نقشبندی و بهزاد گودرزی، تهران: ارسباران.
۳۰. شهید ثانی، زین الدین عاملی (۱۳۸۵)، *اللمعه الدمشقیه فی شرح روضه البهیة*، قم: دارالتفسیر.
۳۱. صادقی، علیرضا (۱۳۹۱)، *نگاهی تحلیلی به کتاب دین و ظهور سرمایه داری (تاوانی)*، دین شماره ۱۷۴، صص ۵۴-۶۲.
۳۲. صدر، محمدباقر (۱۳۵۷)، *اقتصاد ما یا بررسی مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، جلد ۲.
۳۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۴. صفوی، کوروش (۱۳۹۷)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۹)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدجواد حجتی، تهران: انتشارات محمدی.
۳۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۱)، *قرآن در اسلام*، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. طیبی، سید کمال و خانی زاده امیری، مجتبی و معینی، شهرام (۱۳۹۱)، *تحلیل نظری مقایسه ای کسب و کار کارآفرینانه و غیر کارآفرینانه در اقتصاد اسلامی*، *توسعه کارآفرینی*، دوره ۵ شماره ۴، صص ۲۷-۴۶.
۳۸. عاشور، علی (۱۴۲۸)، *موسوعه امیرالمؤمنین مسند الامام علی بن ابی طالب علیه السلام*،

بیروت-لبنان: دار نظیر عبود.

۳۹. علی ابن ابیطالب علیه السلام (۱۹۹۰)، غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴۰. عهدین، بی تا، بی جا.
۴۱. غزالی، محمد(بی تا)، احیاء علوم الدین، ترجمه عبدالرحیم حافظ عراقی، بی جا: دار الکتاب العربی.
۴۲. فریدتنکابنی، مرتضی (۱۳۸۰)، نهج الفصاحه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۴۳. فوگن، هانس نوربرت (۱۳۸۵)، ماکس ویر، ترجمه محمود رامبد، تهران: هرمس.
۴۴. قمی، عباس(بی تا)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فيها علی بحار الأنوار، قم: اسوه.
۴۵. کلاین، ناومی (۱۳۸۹)، دکترین شوک ظهور سرمایه داری فاجعه. ترجمه مهرداد شهابی و میرمحمود نبوی، تهران: نشر آمه.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الفروع من الکافی، تدوین علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۴۷. گلشنی، مهدی (۱۳۹۰)، از علم سکولار تا علم دینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نسخه هاشم رسولی و مرتضی عسکری و محسن امینی و جعفر حسینی و علی جلال شریحات، تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۴۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (علیهم السلام)، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد(بی تا)، حکم النبی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم. قم: دار الحدیث.
۵۱. محمودی، محمدجواد (۱۴۳۰)، ترتیب الأمالی: ترتیب موضوعی لأمالی المشایخ الثلاثة: الصدوق، و المفید و الطوسی. قم: بنیاد معارف اسلامی.

۵۲. مدرسی، هادی (بی تا)، *أخلاقیات الإمام علی أميرالمؤمنین علیه السلام*، بیروت-لبنان: دار العلوم، جلد ۱.
۵۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، *مباحث اقتصادی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۴. مطهری، مرتضی (بی تا). *آشنایی با قرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته با جامعه مدرسین قم.
۵۵. مقیمی، محمد و وکیلی، یوسف و اکبری، مرتضی (۱۳۹۲)، *نظریه های کارآفرینی*. تهران: دانشگاه تهران.
۵۶. ملکی، امیرحسین و قلی پور، آرین و عابدی جعفری، حسن (۱۳۸۸)، *بررسی آثار باورهای مذهبی بر گرایش به راه اندازی یک کسب و کار جدید*، توسعه کارآفرینی، دوره ۱ شماره ۳، صص ۱۱-۳۴.
۵۷. مهرگان، نادر و کرامت‌فر، مهدی (۱۳۹۳)، *سرمایه‌داری خیزش، خیانات، خدمات*. تهران: نور علم.
۵۹. نجارزاده، رضا و رضاقلی‌خانی، مهدیه زیوداری، مهدی (۱۳۸۷)، *شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی بر مبنای اخلاق اسلامی و اخلاق سرمایه‌داری*، جستارهای اقتصادی، دوره ۵ شماره ۱۰، صص ۷-۳۷.
۶۰. نوری، حسین بن محدثی (بی تا)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت - لبنان: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۶۱. وبر، ماکس (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و مهرداد ترابی زاده و مصطفی عمادزاده، تهران: سمت.
۶۲. وبر، ماکس (۱۳۸۷)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
۶۳. هلاینر، کی. اف (۱۳۸۱)، *شرایط اخلاقی رشد اقتصادی*، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: هرمس.
64. Acs, Z. J. (2003). Entrepreneurial capitalism: if America leads will Europe

- follow? *journal of small business and enterprise development*, 10(1), pp. 113-117.
65. Audretsch, D. B., & Meyer, N. S. (2009). Religion, Culture and Entrepreneurship in India. *International Public Affairs Conference*. Indiana University.
 66. Carswell, P., & Rolland, D. (2004). The role of religion in entrepreneurship participation and perception. *Int. J. Entrepreneurship and Small Business*, 1(3/4), pp. 280-286.
 67. Carswell, P., & Rolland, D. (2007). Religion and entrepreneurship in New Zealand. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 1(2), pp. 162-174.
 68. Hébert, R. F., & Link, A. N. (2009). *A History of Entrepreneurship*. New York: Routledge.
 69. McClelland, D. C. (1961). *The Achieving Society*. Canada: D. Van Nostrand.
 70. McClelland, D. c. (1965). N achievement and entrepreneurship a longitudinal atudy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1(4), pp. 389-392.
 71. McClelland, D. C., & Alschuler, A. S. (1971). *Achievement Motivation Development Project Final Report*. Harvard University.
 72. Mozaffari, M., Tabbodi, M., & Rahgozar, H. (2013). The Relationship between Spiritual Well-Being and Academic Achievement. *Journal of Natural and Social Sciences*, 2(3), pp. 3440-3445.
 73. Richardson-McGee, F. D. (2016). *Living Out Faith: Reflections on Motivation for Academic Achievement and Career Choice*. DePaul University: (A Dissertation in Educational Leadership).
 74. Sabiu, I. T., & Abdullah, A. (2018, January). An empirical analysis of the need for achievement motivation in predicting entrepreneurial persistence in Bumiputra entrepreneurs in Terengganu, Malaysia. *International Journal of Business and Globalisation*, 20(2), pp. 190-202.
 75. Seabright, P. (2016, septembre) Religion and Entrepreneurship: a match made in heaven? *ARCHIVES DE SCIENCES SOCIALES DES RELIGIONS*. 175. PP201-219
 76. Shane, S. A. (2007). *A General Theory of Entrepreneurship: The Individual-opportunity Nexus*. northampton: Edward Elgar.
 77. Stückelberger, C., Cui, W., Lessidrenska, T., Wang, D., Liu, Y., & Zhang, Y. (2016). *Entrepreneurs with Christian Values Training Handbook for 12 Modules*. Geneva: Kingdom business college & Globethics.net.
 78. Zwaag, E. v. (2015). *The relation between religion and entrepreneurship*. Rotterdam: ERASMUS UNIVERSITY ROTTERDAM (Master Thesis).